

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله تک‌نگاشت‌های  
الگوی اسلامی ایران پیشرفت

# آسیب‌شناسی تولید علوم انسانی دینی در ایران

بر اساس دیدگاه‌های برخی از  
صاحب‌نظران برجسته حوزه و دانشگاه

## رهبر فرزانه انقلاب اسلامی:

باید در طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت  
بر چهار عرصه فکر، علم، معنویت و زندگی تکیه شود  
که در این میان، موضوع «فکر» بنیانی‌تر از بقیه عرصه‌ها است

در دیدار اعضای شورای عالی  
مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت  
۱۳۹۱/۱۲/۱۴

سرشناسه	: جمشیدیه، غلامرضا، ۱۳۲۲ - Jamshidiha, Gholamreza
عنوان و نام پدیدآور	: آسیب‌شناسی تولید علوم انسانی دینی در ایران بر اساس دیدگاه‌های برخی از صاحب‌نظران حوزه و دانشگاه / نگارش غلامرضا جمشیدی‌ها، حسن محمدمیرزائی، ابوالفضل ذوالفقاری.
مشخصات نشر	: تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، انتشارات الگوی پیشرفت، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۵۲ص.
فروست	: سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۶۵-۶۵-۰
وضعیت فهرست نویسی: فیبا	
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: علوم انسانی (اسلام) -- تحقیق
موضوع	: (Islam) Research Humanities --
شناسه افزوده	: ذوالفقاری، ابوالفضل، ۱۳۲۵ -
شناسه افزوده	: محمدمیرزایی، حسن، ۱۳۶۸ -
شناسه افزوده	: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، انتشارات الگوی پیشرفت
رده بندی کنگره	: BP ۲۳۲۲
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۴۸۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۲۱۰۷۲۰

سلسله تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت:

آسیب‌شناسی تولید علوم انسانی دینی در ایران  
(بر اساس دیدگاه‌های برخی از صاحب‌نظران برجسته حوزه و دانشگاه)

نگارش: دکتر غلامرضا جمشیدی‌ها (استاد جامعه‌شناسی و عضو گروه علوم اجتماعی اسلامی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران)

حسن محمدمیرزائی (کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد)  
دکتر ابوالفضل ذوالفقاری (دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد)

ناشر: نشر الگوی پیشرفت، وابسته به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۹

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۸۶۵-۶۵-۰

تلفن: ۰۲۱ ۸۸۰۱۴۶۴۸ - ۰۲۱ ۸۸۶۳۴۰۰۸

www.olgou.ir

Email:olgou@olgou.ir

نشانی: تهران، خیابان جلال آل‌احمد، روبه‌روی بیمارستان شریعتی، شماره ۳  
تمامی حقوق این اثر متعلق به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است.  
مسئولیت دیدگاه‌های بیان‌شده در این تک‌نگاشت بر عهده نویسنده(گان) محترم است.

## پیشگفتار

طراحی الگوی بومی پیشرفت کشور و تعیین مبانی، ارکان، چارچوب و مسیر پیشرفت باید با مشارکت گسترده و حضور همه جانبه دانشمندان، محققان، نخبگان دانشگاهی و حوزوی و جوانان این مرز و بوم صورت گیرد. به گواه تاریخ و تجارب گذشته، پیشرفتی همه جانبه و پایدار خواهد بود که مبانی اسلامی و اقتضات ایرانی در آن توأمان مورد توجه باشد.

با توجه به ضرورت تولید دانش و تعمیق ادبیات موضوعی در این حوزه، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت در نظر دارد آثاری را در قالب تک‌نگاشت‌های علمی فاخر منتشر نماید. تک‌نگاشت نوشتاری تخصصی و نیمه مبسوط است که توسط یک پژوهشگر خبره در یک موضوع خاص مرتبط با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نگاشته می‌شود. تک‌نگاشت از نظر حجم و محتوا حد فاصل مقاله و کتاب است و نویسنده با پردازش و تحلیل یافته‌ها و مطالعات تخصصی پیشین و افزودن یافته‌های پژوهشی جدید خود و تحلیل جامع و منسجم آنها افق‌های تازه‌ای را در زمینه مورد بررسی می‌گشاید.

سلسه تک‌نگاشت‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که در مجلدات مختلف منتشر می‌شوند، حاصل تلاش جمعی از استادان، اندیشمندان و محققان دانشگاهی و حوزوی است که مراحل مختلف نگارش، ارزیابی، ویراستاری، تدوین و انتشار را با نظارت متخصصان و اهل فن گذرانده است و در اختیار صاحب‌نظران قرار می‌گیرد. در پایان از مساعدت‌ها و تلاش‌های ارزنده نویسندگان تک‌نگاشت‌ها و داوران و مراکز مختلف علمی و پژوهشی که ما را در تهیه، تدوین و انتشار این سلسه یاری رساندند، تقدیر و تشکر می‌شود. امید است این محتوای علمی بتواند افق‌های نو و روشنی را در پیش چشم متخصصان دانشگاهی و حوزوی بگشاید و هر روز در طی مسیر تدوین و تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت گام‌های بلندتر و استوارتری برداشته شود.

معاون علمی و تقسیم کار ملی  
مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت



## فهرست مطالب

۷	چکیده
۷	هدف و سؤالات پژوهش
۷	روش‌شناسی
۹	نوآوری
۱۰	مقدمه
۱۳	پیشینه
۱۵	تحلیل یافته‌ها
۱۷	کدگذاری باز
۱۷	تجزیه و محورشناسی مصاحبه‌ها
۱۷	تقی آزاد ارمکی
۱۹	صفدر الهی‌راد
۲۲	شهلا باقری
۲۴	یحیی بوذری نژاد
۲۵	حمید پارسانیا
۲۷	غلامرضا جمشیدیها
۲۹	محمد حسین‌زاده
۳۰	حسین سوزنچی
۳۲	ابراهیم فیاض
۳۳	عبدالحسین کلانتری
۳۵	مهدی گلشنی
۳۷	علی مصباح یزدی
۳۸	شکل‌بندی مقوله‌های به کار رفته در مصاحبه‌ها
۴۵	کدگذاری محوری
۴۷	کدگذاری گزینشی
۴۸	نتیجه‌گیری و جمع‌بندی
۵۰	پیشنهادها
۵۱	منابع
۵۲	مصاحبه‌ها







## چکیده

### هدف و سؤالات پژوهش

طی سالیان اخیر، بحث تولید علم دینی (بالأخص در حوزه مطالعات علوم انسانی) یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح در مجامع علمی ایران (اعم از حوزوی و دانشگاهی) بوده که با فراز و نشیب‌های زیادی نیز همراه بوده است. به اعتقاد برخی این فعالیت‌ها آن‌چنان که باید و شاید درخور ماهیت، اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی نبوده و با آسیب‌ها و موانع مختلفی دست به گریبان بوده است. بنابراین با توجه به اهمیت فراوان این مسئله، هدف اصلی این تحقیق بررسی موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی دینی در کشورمان می‌باشد که بر اساس دیدگاه‌های برخی از مهم‌ترین صاحب‌نظران این حوزه انجام گرفته است، اما ناظر به این هدف می‌توان این سؤالات را مدنظر قرار داد:

- مهم‌ترین موانع پیش‌رو در مسیر تولید علوم انسانی بومی (دینی) در ایران چیست؟
- موانع معرفت‌شناسانه پیش‌روی تولید علوم انسانی بومی (دینی) چیست؟
- موانع ساختاری و مدیریتی پیش‌روی تولید علوم انسانی بومی (دینی) چیست؟
- موانع ذهنی، اخلاقی و روان‌شناختی پیش‌روی تولید علوم انسانی بومی (دینی) چیست؟

### روش‌شناسی

نظریه برخاسته از داده، نظریه داده‌بنیاد، نظریه داده‌محور، نظریه داده‌نگر، نظریه زمینه‌ای و رویش نظریه (گراند تئوری) تعابیری هستند که در منابع مختلف برای نام‌گذاری این روش کیفی مورد استفاده قرار گرفته است. این روش نسبتاً بدیع، روش‌شناسی ویژه‌ای است که با هدف نظریه‌سازی از داده‌ها بر اساس بنیان‌های تفسیری برساختی ابداع شده و در واقع عبارت است از کشف و استخراج نظریه از داده‌هایی که به‌طور منظم در فرآیند تحقیق اجتماعی به دست آمده باشند (حبیبی، ۱۳۹۳: ۳۰۴). اما میان رهیافت‌های مختلف این روش (نظام‌مند، ظاهرشونده و ساخت‌گرایانه) در این تحقیق از رهیافت نظام‌مند استراوس و کوربین استفاده شده است؛ زیرا با توجه به نظام‌مندی و مناسب بودن رهیافت استراوس و کوربین برای انجام یک تحقیق اجتماعی و همچنین تأکید بیشتری که توسط صاحب‌نظران برای استفاده از این روش می‌شود، این پژوهش نیز همین رهیافت را مورد توجه قرار داده است. با توجه به تازگی این روش، لازم است توضیحات مختصری نیز پیرامون آن ارائه شود؛ کوربین و استراوس کلیات شیوه خود را در این پنج گزاره بیان کرده‌اند: ۱. گردآوری و تحلیل داده‌های فرآیندهایی که به هم مرتبط هستند ۲. مفاهیم، واحدهای اصلی تحلیل هستند ۳. مقوله‌ها باید ایجاد شده و به هم ربط داده شوند ۴. نمونه‌برداری در نظریه داده‌بنیاد، مبتنی بر بنیان‌های نظری است ۵. تحلیل با استفاده از مقایسه‌های مستمر صورت





می‌گیرد (کوربین و استرواس؛ ۱۹۹۰، لی، ۲۰۰۱: ۴۷؛ به نقل از دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۴-۹۳). اما این روش، در واقع بر استفاده از مراحل تحلیل داده‌ها از طریق سه نوع کدگذاری باز، محوری و گزینشی تأکید می‌شود.

الف) کدگذاری باز: در این مرحله، پژوهشگر از طریق جزء‌به‌جزء کردن یافته‌ها به شکل‌بندی مقوله‌های (طبقه‌ها) اطلاعات درباره پدیده مورد مطالعه می‌پردازد. پژوهشگر با استفاده از داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها، مشاهده‌ها، یادداشت‌های روزانه و یادداشت‌های فنی، مقوله‌های اصلی و فرعی را مشخص می‌نماید.

ب) کدگذاری محوری: در این بخش، پژوهشگر یکی از مقوله‌های کدگذاری باز را انتخاب کرده و به عنوان مقوله یا پدیده اصلی (مقوله کانونی) در مرکز فرآیند مورد بررسی قرار می‌دهد و سپس سایر مقوله‌ها را به آن مرتبط می‌سازد. به‌طور کلی، این مقوله‌ها عبارت‌اند از: ۱. شرایط علی (مقوله‌ها یا شرایطی که مقوله اصلی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند) ۲. زمینه یا محیط (شرایط ویژه‌ای که راهبردها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد) ۳. مقوله اصلی (پدیده یا هستی اصلی فرآیند مورد مطالعه) ۴. شرایط واسطه‌ای (شرایط عمومی محیطی که راهبردها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد) ۵. راهبردها (اقدامات یا تعامل‌های ویژه‌ای که از پدیده اصلی حاصل می‌شود) ۶. پیامدها (نتایجی که در اثر راهبردها پدیدار می‌شود).

ج) کدگذاری گزینشی: در این مرحله نیز، پژوهشگر به تکوین نظریه‌ای درباره مقوله‌های به دست آمده در الگوی کدگذاری محوری می‌پردازد. این نظریه، تبیینی نظری از فرآیندی است که مورد پژوهش قرار گرفته است (بازرگان، ۱۳۹۱: ۱۰۲-۹۶).

همچنین جامعه پژوهشی این تحقیق شامل کلیه صاحب‌نظران و فعالان عرصه تولید علوم انسانی بومی بالأخص دینی می‌باشند که با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری «نظری» یا «مبتنی بر هدف» تعداد ۱۲ تن از ایشان مورد مصاحبه باز قرار گرفته‌اند تا موضوع مورد بررسی تبیین شود، اما در این نمونه‌گیری، از موارد برجسته و افراد شاخص استفاده شده است؛ چرا که هدف از این نمونه‌گیری، انتخاب نمونه‌هایی است که با نظریه همخوانی بیشتری داشته باشند، نظریه را بسط دهند و برای مقولات مختلف نمونه‌هایی ارائه دهند (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۱۲۸). پس طبیعی است که در جریان انجام آن، انتخاب نمونه‌ها به صورت عمدی صورت گیرد؛ چرا که تمرکز آن بر تدوین نظریه است (بازرگان، ۱۳۹۱: ۱۱۲). البته این انتخاب نمونه‌ها تا جایی پیش رفته که داده‌ها به مرحله اشباع برسند یا به عبارت دیگر، در مرحله‌ای از کار، داده‌های به دست آمده تکرار شده‌اند که در این صورت انتخاب و رجوع به نمونه‌ها متوقف شده است.



## نوآوری

نوآوری این پژوهش ارائه مدل نظری جهت تبیین موانع تولید علوم انسانی بومی (دینی) با بهره‌گیری از روش نظریه داده‌بنیاد هدف اصلی انجام این پژوهش می باشد که برای تحقق این منظور، در یک فرآیند طولانی و نسبتاً دشوار، دیدگاه‌های ۱۲ تن از استادان و صاحب‌نظران برجسته حوزه مزبور (دکتر تقی آزاد ارمکی، دکتر صفدر الهی‌راد، دکتر شهلا باقری، دکتر یحیی بوذری‌نژاد، دکتر حمید پارسانیا، دکتر غلامرضا جمشیدیها، دکتر محمد حسین‌زاده، دکتر حسین سوزنچی، دکتر ابراهیم فیاض، دکتر عبدالحسین کلانتری، دکتر مهدی گلشنی و دکتر علی مصباح یزدی) با استفاده از تکنیک مصاحبه باز جمع‌آوری و سپس با استفاده از روش گراندد تئوری، کُدگذاری (باز، محوری و گزینشی) شدند و با طی نمودن فرآیندهایی مورد نیاز، در قالب یک مدل نظری مناسب و منسجم تدوین و ارائه شده است.

**واژگان کلیدی:** تولید علم، علوم انسانی، علوم انسانی دینی، جمهوری اسلامی ایران



## مقدمه

«ما تأکید می‌کنیم روی علم. این تأکید، جدی است؛ تعارف نیست؛ از روی یک احساس کاذب تشریفاتی موسمی نیست؛ بلکه از یک تشخیص عمیق و محاسبه شده برمی‌خیزد. زورگویی در دنیا زیاد است. زورگویان متکی به قدرت‌شان هستند. آن قدرت و آن ثروت و آن امکانات، برخاسته از دانش آن‌ها است. بدون دانش نمی‌شود مقابله کرد، نمی‌شود مواجهه کرد» (بیانات معظم له در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۹/۰۷/۱۴؛ به نقل از KHAMENEI.IR). این قسمت از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، به‌خوبی بیانگر این واقعیت است که دنیای امروز، دنیای علم و دانش است و به جرئت می‌توان گفت که علم و دانش، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در آینده جوامع بشری - از سکولار تا دینی - است و بنا به تعبیری؛ «اگر فردا، تحقق امکان‌های امروز است، فردا، فردای علمی است» (داوری اردکانی، ۱۳۸۳: ۱۲۷). تولید فکر و اندیشه و به تبع آن تولید علم، از ویژگی‌های ذاتی و همیشگی نوع بشر بوده است که البته این فرآیند از مکانی به مکان دیگر و حتی در مقاطع مختلف تاریخی امری متغیر و دارای فراز و نشیب‌های فراوان بوده است و البته این سازمان جدید علم، در جوامع کنونی بیش از گذشته، در ابعاد گوناگون با ساخت و سازمان جامعه مرتبط است (محسنی، ۱۳۹۲: ۱۰۷) به‌گونه‌ای که به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان، تفکر علمی و تولید علم نه‌تنها اخلاق خاص خودش را دارد، که حتی شدیداً تحت تأثیر عوامل اجتماعی است (کنوبلاخ، ۱۳۹۰: ۳۵۳). از همین رو می‌توان گفت تأثیر عوامل اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و در یک کلام ایدئولوژی دینی برخاسته از فضای انقلاب اسلامی بر بحث روند و چگونگی تولید علم در ایران (بالأخص در حوزه مطالعات علوم انسانی) امری انکارناپذیر است. انقلابی که طبق بسیاری از دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه، تحقق آن، پدیده‌ای استثنایی و بر خلاف معادله‌های بین‌المللی بوده و تحلیلگران سیاسی هرگز احتمال وقوع آن را مطرح نمی‌کردند. چنین انقلابی توانست به سرعت بر معادله‌های جهانی اثر گذاشته و تمام جهان را تحت‌الشعاع خود قرار دهد (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۲۰). در واقع، انقلاب اسلامی به عنوان یک انقلاب ایدئولوژیک (با جهان‌بینی خاص خود) از مکتب اسلام سرچشمه گرفته و در بُعد ملی، احیاگر طرح‌ها، برنامه‌ها و ایده‌های خاص برای حکومت و دولت‌مداری است و در بُعد جهانی هم با توجه به جهان‌شمولی مکتب اسلام، دارای تفکرات و نظریات خاص خود بوده و در پی تحقق نظام جهانی مورد نظر خویش می‌باشد (محمدی، ۱۳۸۷: ۵۹).

بنابراین با توجه به این‌که از یک‌سو؛ به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، علم، بخشی از بافت فرهنگی و اجتماعی یک جامعه و حتی یکی از جلوه‌های آن می‌باشد (محسنی، ۱۳۹۲: ۱۱) و از سوی دیگر، انقلاب اسلامی و به تبع آن جمهوری اسلامی به دنبال ارائه طرحی جدید می‌باشد که



بر خلاف سایر مدل‌ها و شیوه‌های حکومت‌داری دنیای معاصر، مبتنی بر یک سری مبانی فلسفی و معرفتی خداگرایانه است (افروغ- الف: ۱۳۸۶: ۲۲۱). همین امر، اهمیت تولید علم بومی مبتنی بر این مبانی را بیش از پیش، نمایان می‌سازد؛ چرا که بنیان علم بر مبانی فلسفی و متافیزیکی است و با تغییر این مبانی، تغییراتی در سازوکارها، اهداف و حتی در روش‌ها ایجاد می‌شود (افروغ - ب، ۱۳۸۶: ۲۳). امری که گلشنی نیز آن را به این صورت تأیید می‌کند: «پیش‌فرض‌های متافیزیکی در نظریه‌پردازی‌ها، روش‌ها و مسائل مورد بررسی دخالت دارند و علم، مبتنی بر پیش‌فرض‌هایی است که خود نمی‌تواند آن‌ها را اثبات یا رد کند» (گلشنی، ۱۳۸۵: ۳۹-۳۸). با توجه به تمامی این مباحث، بسیار واضح است که بحث تولید علم بومی و ایجاد یک جنبش نرم‌افزاری<sup>۱</sup> برای ادامه حیات انقلاب و این کشور امری بسیار لازم و ضروری است (میرباقری، ۱۳۸۶: ۱۸۰) که البته انقلاب اسلامی، بسیاری از موانع سیاسی را که مانع از رشد و گسترش علم دینی در کشور بود را از میان برداشته است (پارسانیا، ۱۳۸۵: ۱۷۳)؛ اما با وجود اینکه طی سال‌های اخیر فعالیت‌های گوناگونی در مراکز و مؤسسات مختلف دولتی و غیردولتی در این راستا صورت گرفته است، ولی با گذشت بیش از چهار دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، مجموع این کارها در حد و اندازه ماهیت انقلاب اسلامی نبوده است، موضوعی که باعث دغدغه بسیاری از مسئولان و اندیشمندان نواندیش کشور گردیده است. البته با نگاهی به بیانات رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) متوجه می‌شویم که این موضوع، از سال‌های دور مورد تأکید ایشان بوده و یکی از دغدغه‌ها و مطالبات اصلی ایشان از قشر فرهیخته جامعه - اعم از دانشگاهی و حوزوی - کشور می‌باشد: «آنچه باید در زمینه پیشرفت علم و استقلال در بینش علمی و پیگیری علمی کارکنیم تا به حال کم کار کرده‌ایم» (رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۰: ۷۰۳) و البته این مسئله در سال‌های اخیر نیز مجدداً مورد تأکید صریح ایشان قرار گرفته است: «اصل قضیه این است که ما بتوانیم متن زندگی را، این بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم. البته در انقلاب، در این بخش [بخش نرم‌افزاری تمدن]، پیشرفت ما چشمگیر نیست؛

۱. یکی از مفاهیمی کلیدی که طی یکی دو دهه اخیر (بالاخص پس از پیام مقام معظم رهبری در سال بهمن ماه ۱۳۸۱ خطاب به اندیشمندان حوزه و دانشگاه) در ادبیات علمی و مجامع اندیشه‌ورز ما رواج پیدا کرده تعبیر «جنبش نرم‌افزاری» می‌باشد، مفهومی که در واقع به نوعی ناظر به همین تولید علم دینی می‌باشد. جنبش نرم‌افزاری، حرکتی سازمان‌یافته با اهداف روشن و ایدئولوژی تعریف شده است که برای ایجاد تغییر و تحول در روند تولید علم، از سه حیث مبانی، کمیت و کیفیت مطرح شده است (حسینی، ۱۳۹۰: ۲۶۷-۲۶۶). در واقع می‌توان چنین گفت: «جنبش نرم‌افزاری حرکتی است اجتماعی، برای ایجاد تحول مثبت در روند تولید فکر، علم و نظریه‌پردازی به منظور بر پا ساختن تمدنی بر اساس مبانی حقیقت محور و در جهت اهداف و آرمان‌های اصیل انسانی» (دبیرخانه مکتبه و اندیشه، ۱۳۸۳: ۷۱-۷۰). بر این اساس، نظام آموزشی و پژوهشی حوزه و دانشگاه به گونه‌ای عالمانه تغییر یافته و ویژگی مصرف‌کنندگی این مراکز به تولید علم و نظریه‌پردازی تبدیل می‌گردد و البته فزاینده و همگانی شدن، از لوازم اصلی این فرآیند می‌باشد (خسروپناه، ۱۳۸۳: ۵).



در این زمینه، ما مثل بخش اول [بخش سخت‌افزاری تمدن] حرکت نکردیم، پیشرفت نکردیم. خوب، باید آسیب‌شناسی کنیم؛ چرا ما در این بخش پیشرفت نکردیم؟» (بیانات ایشان در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳؛ به نقل از پایگاه اینترنتی KHAMENEI.IR). با عنایت به همین قضایا است که عماد افروغ نیز با نگاهی هشدارآمیز معتقد است علی‌رغم انتظاری که با پیروزی انقلاب اسلامی برای ایجاد تحولی جدید در عرصه علم و فن‌آوری شکل گرفت، ولی متأسفانه به این انتظار جامعه عمل مناسبی پوشانده نشد (افروغ - ب، ۱۳۸۶: ۱۹).

با توجه به مسائلی که طرح شد جای هیچ‌گونه شک و تردیدی نیست که برای طراحی هرگونه الگو و راهبردی نیازمند تولید ادبیاتی مبتنی بر جهان‌بینی انقلاب اسلامی هستیم و البته تولید ادبیات علمی، بیش از هر چیز در حوزه مطالعات علوم انسانی رخ می‌نماید؛ چرا که این علوم به‌مثابه قوه عاقله، بعد نرم‌افزاری و مسیر حرکت این جامعه را نشان می‌دهد؛ بنابراین بسیار واضح است که یکی از مبنایی‌ترین و اصلی‌ترین مؤلفه‌های مورد نیاز در بحث طراحی و اجرای الگوی مهم و راهبردی همچون الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، موضوع تولید علم بومی مبتنی بر اقتضانات برخاسته از اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌باشد؛ بنابراین با عنایت به بحث‌های مهمی همچون؛ تأثیر شگرف علم و دانش درون‌زا بر؛ استمرار و بازتولید مبانی و آموزه‌های اصیل انقلاب اسلامی، ارائه طرح‌ها و الگوهای بومی برای پدیده‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ایجاد بستری لازم جهت تأثیرپذیری بسیاری از کشورهای در حال توسعه (بالأخص مسلمان) از نظام جمهوری اسلامی و ... در روند انجام این پژوهش، در پی آن هستیم که با نگاهی آسیب‌شناسانه دلایل حرکت نه چندان مطلوب تولید علوم انسانی دینی را مورد بررسی قرار دهیم؛ چرا که تحقق ایده‌ها و آرمان‌های این انقلاب عظیم، بدون توجه به یک نهضت و جنبش نرم‌افزاری میسر نمی‌شود (میرباقری، ۱۳۸۳: ۶۶).

با توجه به مباحث ارائه شده، مهم‌ترین دلایل اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق را می‌توان در موارد زیر احصاء کرد:

الف. اهمیت تولید علم در بازتولید و استمرار اصول و مبانی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران؛

ب. لزوم طراحی و اجرای مدل‌های بومی همچون؛ الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، مردم‌سالاری دینی و ...؛

ج. شکل‌گیری تحولات اخیر در منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) و ایجاد بستری مناسب جهت انتقال تجربیات و مدل‌های طراحی‌شده در جمهوری اسلامی ایران؛



د. لزوم آسیب‌شناسی موانع پیش‌روی تحقق علوم انسانی دینی جهت آشنایی بیشتر مسئولان و پژوهشگران برای اتخاذ تدابیر مناسب جهت بازنگری مسیر طی شده و ادامه جدی‌تر و البته صحیح‌تر مسیر تحقق جنبش نرم‌افزاری.

#### پیشینه

اما در راستای همین مسئله، پژوهش‌هایی که نیز صورت گرفته است که در ادامه چند مورد از آن‌ها معرفی می‌شود:

۱. عبدالحسین خسروپناه در مقاله‌ای با عنوان «آسیب‌شناسی جنبش نرم‌افزاری» معتقد است همان‌گونه که هر طرح و ایده‌ای ممکن است در مرحله نظریه‌پردازی و اجرا، دچار آسیب و انحراف گردد، بحث جنبش نرم‌افزاری هم از این قاعده مستثنا نبوده است، بنابراین ایشان آسیب‌های این جنبش را در سه دسته معرفتی، اجتماعی و روانی طبقه‌بندی کرده است. ایشان معتقد است آسیب‌های «معرفتی»، ریشه‌ای‌ترین و مهم‌ترین این آسیب‌ها است که خود به آسیب‌های معرفت‌شناختی، فلسفی، دینی و علمی- تجربی منشعب می‌شود؛ اما در بحث آسیب‌های «اجتماعی»، ایشان به مواردی همچون: وجود نهادهای مختلف و در عرض هم برای هدایت و ساماندهی جنبش، فرمایشی و حکومتی انگاشتن جنبش، مدیریت تفرعن‌گونه یا تساهل‌گونه در مراکز پژوهشی کشور، شتاب‌زدگی، ساده‌اندیشی، اداری محور کردن مراکز پژوهشی به جای پژوهش‌محوری، توزیع غیرعادلانه ثروت و امکانات بین مدیران و پژوهشگران و ... اشاره می‌کند و در نهایت، آسیب‌های روانی این جنبش را چنین برمی‌شمارد: محبت‌های افراطی به دیدگاه‌های خودی و کینه‌های افراطی از مکاتب رقیب، اهمیت قائل نشدن برای اندیشه‌های نوظهور، روحیه اشعری‌گری و جبری‌مسلكی، فقدان جسارت اندیشیدن و نقد و نوآوری و نظریه‌پردازی، روحیه رخوت و تنبلی، حسادت، کینه‌توزی و برخورد عوامانه با نظریه‌های علمی، رقیب‌شکنی، مرده‌پرستی، شهرت‌طلبی و ... (خسروپناه، ۱۳۸۳).

۲. حسین سوزنچی نیز در کتابی با عنوان «معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی» به دنبال ارائه راهکارهایی جهت تحقق علم دینی می‌باشد، راهکارهایی که طبیعتاً ریشه در بررسی آسیب‌ها و موانع پیش‌روی تولید علوم دینی دارد و می‌توان این آسیب‌ها را در لابه‌لای راهکارهای ایشان ذیل بحث‌های مربوط به برنامه‌های «آموزشی و درسی» (برقراری نوعی تعامل بین اندیشه‌های غربی و آموزه‌های اسلامی)، «برنامه‌های تربیتی و پرورشی» (توجه جدی به ابعاد فرهنگی و تربیتی معلمان، متعلمان و محیط آموزشی با توجه به ارتباط علم با شخصیت عالم)، «نظام رسمی علم و ساختارهای فرهنگی حاکم بر دانش و پژوهش» (ضرورت ایجاد تحول عمیق و طراحی نظام جدیدی برای اعتباربخشی به فعالیت‌های پژوهشی) مشاهده کرد؛ اما ایشان در نهایت معتقد است



تأسیس دو ساختار آموزشی، یکی برای علوم سنتی (حوزه) و یکی برای علوم مدرن (دانشگاه) اشتباه بوده و زمینه‌ساز تلقی عدم ارتباط علم و دین در کشور ما شده است. ایشان در بحث پیشنهادهایی که برای حوزه دارند، ایجاد تغییرات و هماهنگی بیش از نیازهای زمان در برنامه آموزشی، کم‌رنگ بودن جایگاه عقل و دستاوردهای عقلی در آموزش‌های حوزوی، ضرورت تغییر نوع نگاه رایج به فقه در برخی عرصه‌ها و عدم اهتمام جدی به استخراج فلسفه‌های مضاف برای علوم مختلف را طرح می‌کنند و با ارائه نکاتی همچون: تبدیل شدن علم و آموزش به یک شغل و مسیر شغلی و نگرش عرضی به عالم و عدم وجود نگاه طولی (علم در طول دین) به نظام خلقت را در ذیل مباحث مربوط به نقاط ضعف دانشگاه در این زمینه، مورد توجه خویش و مخاطب قرار می‌دهد (سوزنچی، ۱۳۸۹).

۳. عماد افروغ با داشتن نگاهی نقادانه در کتاب «انقلاب اسلامی و مبانی بازتولید آن»، به دنبال آسیب‌شناسی بوده و معتقد است که این انقلاب آن‌طور که باید و شاید ثنوریزه نشده است، بنابراین بر این اساس می‌توان گفت استراتژی بلندمدت نظام در ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تدوین نشده است و در واقع، ریشه اصلی مسائل نیز در همین مسئله است. ایشان معتقدند وقتی یک حکومت دینی شکل می‌گیرد، ملزومات و نیازمندی‌های خاص خود را دارد ولی در بحث آسیب‌شناسی بر این باور است علماء و پژوهشکده‌های مربوط به حوزه به ملزومات فقهی حکومت دینی توجهی نکرده‌اند. در مجموع باید گفت افروغ، اساسی‌ترین آسیب انقلاب اسلامی را آسیب‌شناسی معرفتی می‌داند، آسیبی که بر اساس آن پیشرفت بومی مورد غفلت قرار گرفت و بعد از پایان دفاع مقدس، پارادایم توسعه جایگزین پارادایم انقلاب شده است (افروغ- الف، ۱۳۸۶).

۴. اما افروغ در کتاب دیگری با عنوان «محتواگرایی و تولید علم» که ناظر به نقد رویکردهای قالب‌گرایانه کمی و اثبات‌گرایانه حاکم بر نظام آموزش رسمی کشور است، به دنبال نجات کشور از عقب‌ماندگی علمی است. او معتقد است، بیگانگی دست‌اندرکاران نظام آموزشی با مباحث معرفت‌شناسی و فرو افتادن آن‌ها در معرفت‌شناسی‌های بی‌ریشه و پوزیتیویستی و همچنین غفلت آن‌ها از نسبت علم با فرهنگ و جامعه باعث شده است تا اولاً: تلاش‌ها و آثار علمی دقیق و عمیق غیراثبات‌گرایانه بسیاری از اندیشمندان داخلی نادیده گرفته شود و ثانیاً: انگیزه و تلاش علمی دانشگاهیان به مسیر معرفت تجربی هدایت شود. در نهایت ایشان در بحث آسیب‌شناسی فضای حاکم بر دانشگاه‌ها به ۲۵ آسیب اشاره می‌کند که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: بیگانگی با زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی، غلبه نگاه پیش‌زمینه‌ای و سخت‌افزارانه به علم، عدم انطباق بین دانش نظری و دانش عملی، خروج مرجعیت از داخل به خارج، بی‌توجهی به مبانی متافیزیکی علم، غفلت از نظم هنجاری و علم اجتماعی محقق، خطوط ربط گرفتن از سیاست، فقدان حقوق معنوی در دانشگاه، کثرت سرقت‌های علمی و ... (افروغ- ب، ۱۳۸۶).



۵. پژوهش «بررسی چالش‌های نهضت نرم‌افزاری (تولید علم) از دید اعضای هیئت علمی دانشگاه شاهد تهران در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶» (پایان‌نامه مقطع کارشناسی) نیز جزو تحقیقات مرتبط با موضوع این پژوهش است. در تحقیق مورد اشاره، محقق از بین جامعه آماری ۲۸۰ نفری اعضای هیئت علمی دانشگاه شاهد، تعداد ۱۰۰ نفر از آن‌ها را با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم و به صورت تصادفی ساده انتخاب کرده است و چالش‌های مورد بررسی در این پژوهش شامل: عدم نهادینه شدن فرهنگ پژوهش بین اعضای هیئت علمی، ناکارآمدی نظام مدیریت پژوهش دانشگاهی و سیاست‌گذاری‌های نامناسب آن و عدم تخصیص و توزیع نامتناسب بودجه و امکانات پژوهشی بوده است. در این تحقیق که با رویکردی توصیفی و با بهره‌گیری از روش پیمایش انجام شده است هر سه مورد اشاره شده در بحث چالش‌های تولید علم، در حد بالاتر از متوسط مورد تأیید قرار گرفته‌اند (بروغنی، ۱۳۸۷).

همانگونه که ملاحظه گردید، پیرامون موضوع پیشنهادی این پژوهش، تاکنون بحث‌هایی صورت گرفته است که برخی از آن‌ها اجمالاً معرفی شد و لازم است پیرامون آن‌ها نکاتی مطرح شود: اولاً؛ برخی از این آسیب‌شناسی‌های صورت گرفته ناظر به دیدگاه خاصی بوده که از سوی محقق مورد توجه بوده است، در واقع می‌توان گفت از آنجایی که برخی از این افراد خود دارای دیدگاهی در زمینه تولید علم دینی و جنبش نرم‌افزاری هستند، آسیب‌شناسی‌های صورت گرفته بعضاً بیشتر ناظر به نقد نظریه‌های رقیب در بحث تولید علم دینی بوده است و در نتیجه، نقدهای صورت گرفته بعضاً جامع و حتی منصفانه نبوده و بیشتر جهت تبیین و تثبیت رویکرد مورد علاقه محققین بوده است، ثانیاً؛ برخی از آسیب‌شناسی‌های صورت گرفته، بر اساس تجربه‌های شخصی و منفرد افراد بوده و چندان در قالب یک روش‌شناسی علمی صورت نگرفته است؛ بنابراین علی‌رغم مفید بودن هر کدام از این تحقیقات، به نظر می‌رسد در این آسیب‌شناسی‌ها گهگاه شناخت و درک صحیحی از مفهوم علم دینی وجود نداشته است و در نتیجه آسیب‌شناسی دقیق و همه‌جانبه‌ای نیز صورت نگرفته است و افراد بیشتر از منظر خود به این قضیه نگریسته‌اند، ثالثاً؛ در هر صورت، با تمامی تلاش‌هایی که توسط استادان و محققین دلسوز این حوزه صورت گرفته است؛ ولی به نظر می‌رسد این پژوهش با توجه به بهره‌گیری از دیدگاه‌های بسیاری از صاحب‌نظران این عرصه و ارائه یک آسیب‌شناسی نسبتاً دقیق و همه‌جانبه، می‌تواند از مناظر مختلف به این مسئله نگریسته و بیشتر از برخی تحقیقات انجام شده مفید بوده و مورد استفاده پژوهشگران این حوزه قرار گیرد.

### تحلیل یافته‌ها

این بخش، دربرگیرنده مهم‌ترین یافته‌های به دست آمده در این پژوهش می‌باشد، همان‌طور که گفته شد، هدف اصلی این پژوهش «بررسی موانع موجود بر سر راه تولید علوم انسانی دینی» است





که یکی از بهترین ابزارها برای نیل به این هدف، بهره‌گیری از یافته‌هایی است که در مصاحبه با صاحب‌نظران و فعالان مختلف عرصه تولید علم بومی (دینی) حاصل می‌شود، در نتیجه برای تحقق این مهم، سعی شده با تعدادی از افراد مزبور گفتگوهای صورت گیرد تا با استخراج و بهره‌گیری از داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌های آزاد، امکان تولید مدلی نظری (در قالب استفاده از روش نظریه داده‌بنیاد) برای دستیابی به هدف فوق، میسر و امکان‌پذیر شود.

بنابراین سعی شده که مصاحبه‌ها - تا حد امکان - با محوریت شاخص‌ترین و اصلی‌ترین فعالان این عرصه انجام پذیرد تا به لحاظ منطق نمونه‌گیری استفاده شده در این روش، یافته‌های به دست آمده به اشباع برسند و مبتنی بر آن‌ها بتوان مدلی تهیه کرد که از غنای لازم برای تبیین مسئله مورد نظر برخوردار باشد. ماحصل تلاش‌های صورت گرفته، مصاحبه با ۱۲ تن از برجسته‌ترین استادان مراکز علمی است، صاحب‌نظرانی که علی‌رغم تنوع نگرش‌ها و نگاه‌هایشان به مقوله تولید علم دینی، در اصل وجود موانع مختلف بر سر راه تولید علوم انسانی دینی، دارای اتفاق نظر هستند، هر چند که این اتفاق نظر دارای محورها و درجات مختلفی است؛ اما برای این منظور در یک نگاه کلی، ابتدا یافته‌ها و اطلاعات موجود در هر کدام از این مصاحبه‌ها، جزء به جزء شده و آنگاه در قالب یک سری مقوله‌ها، شکل‌بندی و تقسیم‌بندی می‌شوند و سپس هر کدام از این مقوله‌ها، اصلی و فرعی شده و در نهایت یک مقوله، به عنوان اصلی‌ترین مقوله (مقوله کانونی) تعیین شده و سایر مقوله‌های شناسایی شده به آن مرتبط می‌شوند؛ البته چگونگی انجام فرآیندهای مزبور به صورت جزئی‌تر و دقیق‌تر در هر بخش تشریح خواهند شد.

جدول (۱) - اسامی صاحب‌نظران و استادان مصاحبه شده (به ترتیب حروف الفباء)

ردیف	نام استاد	مرکز علمی محل فعالیت
۱	تقی آزاد ارمکی	هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران
۲	صفدر الهی‌راد	هیئت علمی گروه کلام و فلسفه دین مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)
۳	شهلا باقری	هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی
۴	یحیی بوذری‌نژاد	هیئت علمی گروه علوم اجتماعی اسلامی دانشگاه تهران
۵	حمید پارسانیا	هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران
۶	غلامرضا جمشیدیپها	هیئت علمی گروه علوم اجتماعی اسلامی دانشگاه تهران
۷	محمد حسین‌زاده	هیئت علمی گروه فلسفه مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)
۸	حسین سوزنچی	هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه باقرالعلوم (ع)
۹	ابراهیم فیاض	هیئت علمی گروه انسان‌شناسی دانشگاه تهران
۱۰	عبدالحسین کلانتری	هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران
۱۱	مهدی گلشنی	هیئت علمی گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف
۱۲	علی مصباح یزدی	هیئت علمی گروه فلسفه مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)



## کدگذاری باز

همان‌گونه که در بخش روش‌شناسی گفته شد، اولین مرحله در بحث روش نظریه داده‌بنیاد، کدگذاری باز می‌باشد. در این مرحله با تجزیه داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها و همچنین یادداشت‌های فنی صورت گرفته حین انجام مصاحبه، مقوله‌های اصلی و فرعی شناسایی می‌شوند، بنابراین دیدگاه‌های استادانی با رشته و تخصص‌های گوناگون (اعم از؛ جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، فلسفه و حکمت، فلسفه علم، معرفت‌شناسی، متفکران اجتماعی مسلمان، مطالعات زنان و خانواده و ...) به صورت مجزا (مبتنی بر مصاحبه‌های صورت‌گرفته) استخراج و سپس تجزیه می‌شوند و در نهایت بر اساس داده‌های به دست آمده، موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی اسلامی از منظر ایشان، در قالب مقوله‌های اصلی و فرعی تقسیم‌بندی می‌شوند.

## تجزیه و محورشناسی مصاحبه‌ها

در این قسمت، مصاحبه‌های گرفته شده از استادانی که قبلاً اسامی آن‌ها ذکر گردید، پس از بررسی‌های دقیق، تجزیه و محورهای اصلی و فرعی هر کدام از آن‌ها مشخص می‌شوند. برای این منظور، ابعاد کلی محورهای اصلی و فرعی و مقوله‌های مرتبط با هر کدام از آن‌ها، از میان مباحث مطرح شده در مصاحبه‌های این استادان، به صورت جداگانه (و به ترتیب حروف الفباء) شناسایی و استخراج شده و با ذکر مقدمه<sup>۱</sup> کوتاهی از سابقه و زمینه‌های فعالیت ایشان در عرصه علوم انسانی اسلامی (در زمان انجام این مصاحبه‌ها)، ارائه می‌شوند. در مجموع، داده‌ها به دست آمده از مصاحبه‌های مزبور (به صورت مجزا) بدین صورت قابل ارائه می‌باشند:

## تقی آزاد ارمکی

دکتر آزاد ارمکی از استادان مطرح و صاحب‌نام عرصه جامعه‌شناسی ایران می‌باشد که در حال حاضر به‌عنوان هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران مشغول تحقیق و تدریس می‌باشد. در میان استادانی که در این پژوهش مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند، دیدگاه‌های وی نسبت به سایرین، دارای تفاوت‌هایی می‌باشد و آن عدم التزام جدی ایشان به بحث تولید علوم انسانی دینی است، در واقع بر اساس مباحث مطرح شده وی در این مصاحبه، می‌توان

۱. ذکر عناوینی همچون؛ متعهد، توانمند، برجسته و ... برای توصیف برخی از اساتید مصاحبه شده، در واقع با توجه به نگرش و اعتقاد درون‌گفتمانی این تحقیق نسبت به امکان و ضرورت تولید علم دینی است و نباید آن را به حساب ارزش‌گذاری دانست، هر چند که علاوه بر نگرش درون‌گفتمانی، رویکرد حاکم بر این مصاحبه‌ها نیز در حال حاضر رویکردی توصیفی و فارغ از هرگونه قضاوت در مورد محتوای مصاحبه‌های ایشان می‌باشد، بنابراین ذکر این عناوین را نباید به حساب مسائل خاص خارج از تحقیق گذاشت. لازم به ذکر است منظور از مفاهیمی همچون متعهد و ...؛ تعهد نسبت به ارزش‌های دینی و انقلاب اسلامی است.



گفت که ایشان در بحث رابطه علم و دین دارای نگرشی مبتنی بر وحدت می‌باشند، به این معنی که اگر علم در مسیر واقعی خود قرار گرفته و حرکت کند حتماً به دین می‌رسد و هیچ عالم واقعی را نمی‌توان یافت که بیگانه با دین باشد، بنابراین یک کار علمی واقعی را باید کاری دینی محسوب کرد (شناخت آثار خداوند، برخوردار شدن از پاکی درون، کلام نیکو و ... برخی از نتایج علم واقعی است). البته ایشان تألیفات زیادی در حوزه نظریه‌پردازی علوم اجتماعی بومی داشته و در حل مسائل اجتماعی ایران معتقد به بهره‌گیری از ویژگی‌های زیست‌بوم ایرانی و در نظر گرفتن شرایط اجتماعی ایران است، در برخی از آثار ایشان نیز؛ که می‌توان مهم‌ترین آن را «جامعه‌شناسی جامعه‌شناسی در ایران» دانست، به وضوح می‌توان دیدگاه‌های ایشان در خصوص لزوم توجه به جامعه‌شناسی بومی و حتی دینی (اسلامی) را مشاهده کرد، هر چند که در بحث زیست‌بوم جامعه ایرانی نیز، عناصر مربوط به ارزش‌های دینی دارای نقش بسیار تأثیرگذاری هستند.

پس از بیان این مقدمه، می‌توان چنین اظهار کرد که ایشان در بحث مربوط به «آسیب‌ها و موانع تولید علوم انسانی بومی (دینی)»، تأکید اصلی خود را بر سه مفهوم «فقدان علم»، «فقدان دانشمند» و «فقدان دانشگاه» (مراکز دانشگاهی) متمرکز کرده‌اند:

- عدم وجود نگرش تحلیل‌گرایانه در میان اندیشمندان علوم اجتماعی (و علوم انسانی) کشور و مطرح کردن مسائل در قالب‌های کلی و کلیشه‌ای؛

- سیاسی شدن فضای دانشگاه‌ها (انتصابات، رفتارها، جهت‌گیری‌ها و ...)

- بداخلاقی‌های موجود در فضای علمی؛

- ضعف‌های موجود در زمینه ساختار حاکم بر نشریات علمی (بررسی و چاپ مقالات مبتنی بر رفاقت و رابطه‌بازی است نه داوری علمی و عادلانه)؛

- مدیریت ضعیف حاکم بر فضای علمی کشور (استفاده از مدیران ضعیف و ناتوان در فضاهای علمی)؛

- شعارزدگی حامیان تولید علوم انسانی اسلامی، مطرح کردن یک سری مباحث کلی و عدم انجام اقدام عملی (عدم وجود تولیدات علمی ملموس توسط مدعیان تولید علم دینی)؛

- تلقی نادرست از مقوله علم غربی و به تبع آن؛ برداشت و فهم نادرست از بحث بحران علم غربی؛

- عدم برگشت به علم و دانش واقعی بعد از انقلاب اسلامی و فاصله گرفتن از علم و دانش واقعی؛

- سیاست‌زدگی حاکم بر فضای حوزه‌های علمیه و عدم وجود تلاش‌های جدی علمی در آن‌ها؛

- عدم وجود فراغت لازم جهت انجام تحقیق و پژوهش از سوی برخی مدعیان و صاحب‌نظران عرصه تولید علم بومی، علی‌رغم داشتن سطح سواد و آگاهی بالا و برخورداری آن‌ها از بنیه‌های علمی قوی (پرداختن به مسائل حاشیه‌ای، تکیه بر مناصب و سرگرم شدن با مشاغل مختلف، پرداختن بیش از حد به طرح مسئله و اعلام موضع به نسبت انجام فعالیت‌ها و تولیدات علمی)؛



- فقدان علم: مشخص نبودن برداشت از مفهوم علم در کشور؛
- فقدان دانشمند: دانشمند و متفکر چندانی برای ایجاد تحول علمی در کشور نداریم و آنهایی هم که هستند بسیاری‌شان بیشتر مشغول مسائل حاشیه‌ای قدرت، مسئولیت، شهرت و ... شده‌اند؛
- بروکراسی علمی: عملکرد ضعیف برخی نهادهای مهم تأثیرگذار در تنظیم، جهت‌دهی و مدیریت سیاست‌های علمی کشور (شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت علوم) باعث بروکراتیک شدن فضای علمی کشور شده‌اند (در مقابل برخورد دانشگاهی)؛
- عدم امکان رشد علمی مستقل دانشگاه‌ها و استادان: دانشگاه‌ها و استادان چندان نمی‌توانند آزادانه و با دغدغه برخاسته از خود وارد کارهای علمی شوند؛
- سیاسی شدن بحث تولید علم دینی: در حال حاضر این مسئله بیشتر یک دغدغه سیاسی است تا یک موضوع معرفتی برآمده از فضای دانشگاه‌ها؛
- فرمایشی و دستوری بودن بسیاری از تولیدات علمی (جوششی نیست و از بالا تجویز می‌شود)؛
- سطحی بودن تولیدات صورت گرفته در عرصه تولید علم دینی و عدم انطباق آن‌ها بر یک منطق اسلامی؛
- وجود برخی الزامات ساختاری (نهاد نمایندگی ولی فقیه، حراست، گزینش و ...) موجود در فضای دانشگاه‌ها که باعث دوری دانشگاه‌ها از فضای علمی واقعی و آزادانه شده است؛
- اداری بودن فضای وزارت علوم و تعیین و تکلیف‌های بوروکراتیک آن‌ها برای دانشگاه‌ها؛
- غلبه فضای ایدئولوژیک، سیاسی و بوروکراتیک بر فضای علمی دانشگاه‌ها؛
- فضای به شدت سیاسی حاکم بر فضای علمی کشور (راست‌گرایی و چپ‌گرایی).

### صفدر الهی‌راد

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر الهی‌راد، از اعضای هیئت علمی گروه کلام و فلسفه دین مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) قم بوده و مانند بسیاری از استادان این مؤسسه از فعالان عرصه تولید علوم انسانی اسلامی می‌باشد، علاوه بر توانایی‌ها و فعالیت‌های علمی، ایشان مسئولیت مرکز آموزش‌های آزاد این مؤسسه را نیز بر عهده داشته و از ارکان اصلی فکری، اجرایی و علمی دوره‌های متمرکز آموزش مبانی اندیشه اسلامی (طرح ولایت) می‌باشد، دوره‌هایی که با بیش از ۲۰ سال فعالیت علمی و با بهره‌گیری از استادان توانمند و مطرح این مؤسسه، توانسته بسیاری از مباحث سلبی و ایجابی مرتبط با مبانی فکری و معرفتی غرب و اسلام را به‌صورت عمومی و تخصصی به بسیاری از دانشجویان دانشگاه‌های سراسر کشور انتقال دهد. با توجه به مسئولیت‌های مذکور و فعالیت‌های اجرایی و ساختاری (در کنار فعالیت‌های علمی)، ایشان در مصاحبه صورت



گرفته، در عین توجه به موانع معرفتی تولید علوم انسانی دینی، اشراف و نقطه‌نظرات قابل توجهی نیز در حوزه مسائل ساختاری این مسئله داشته است.

دیدگاه‌های ایشان در خصوص این مسئله، با عنصر اساسی غرب‌گرایی و خودباختگی بسیاری از اعضای هیئت علمی رشته‌های علوم انسانی آغاز و با بیان کردن مواردی مبتنی بر آن ادامه می‌یابد که به‌طور کلی می‌توان این مباحث را در موارد زیر بیان کرد:

- غرب‌گرایی و خودباختگی بسیاری از استادان علوم انسانی: اعتقاد به اینکه راه توسعه و پیشرفت در تبعیت از فرهنگ و تمدن غرب بوده و اسلام و آموزه‌های آن نمی‌تواند از تمدنی جامع برخوردار باشد؛

- ابتدائی فضای ذهنی استادان و اندیشه فکری موجود در دانشگاه‌ها بر مبانی و مبادی فکری و معرفتی غربی؛

- عدم آشنایی استادان با مبانی فکری و قابلیت‌های تمدنی موجود در اسلام و عدم انتقال گسترده این مبانی معرفتی و فکری به فضای دانشگاه‌ها؛

- عدم باور به ناتوانی و بیمار بودن علوم انسانی موجود (مبتنی بر همان غرب‌گرایی و خودباختگی) و در نتیجه؛ عدم وجود دغدغه لازم نسبت به ضرورت تولید علوم انسانی بومی (اسلامی) در دانشگاه‌ها؛

- عدم وجود یک جنبش (حرکت عمومی) از سوی علاقه‌مندان و معتقدین به تولید علم دینی برای آگاه‌سازی دیگران و ایجاد باور در میان استادان و دانشگاهیان نسبت به ضعف‌های علوم انسانی موجود و ضرورت تحول در آن و تولید علوم انسانی اسلامی؛

- تأکید افراطی بر تجربه‌گرایی و انحصارگرایی روشی در فضای عمومی دانشگاه‌ها و وجود نوعی استبداد معنایی در آن‌ها؛ محدود کردن مفهوم علم به تجربه و اینکه تنها راه کسب علم و معرفت تجربه است. با این تفسیر، تولید علم دینی موضوعی بی‌معنی است؛ چرا که دین اصلاً از نوع گزاره‌های تجربی نبوده و امری متافیزیکی و فراتجربی است؛

- عملکرد حزبی، سیاسی و دولتی شورای عالی انقلاب فرهنگی؛ در حالی که این شورا باید مجمع اندیشمندان باشد و به دور از هرگونه سیاست‌زدگی رفتار نماید؛

- تلقی و معرفی نادرست گفتمان اسلامی‌سازی علم از سوی برخی طرفداران علم دینی که این قضیه می‌تواند منجر به ایجاد توقع بیجا از آموزه‌های دینی گردیده و عدم تحقق این توقعات، موجب وهن دین می‌شود؛

- سوءاستفاده برخی از مخالفان تولید علم دینی از این برداشت نادرست و انجام تبلیغات سوء، علیه آن و سیاسی کردن این مسئله از سوی برخی افراد زاویه‌دار با نظام و انقلاب اسلامی؛



- سیاسی جلوه دادن (به عنوان امری فرمایشی از بالا) تولید علم دینی از سوی برخی مخالفان تولید علم دینی؛

- مشخص نبودن متولی اصلی اسلامی‌سازی علوم در کشور؛ در حالی‌که با توجه به ماهیت دینی علم دینی، اسلامی‌سازی اصلی باید توسط مجتهدین (منظور از مجتهد صرفاً فردی نیست که در حوزه درس خوانده باشد؛ بلکه هر فردی که توانایی تفقه در دین را داشته و با علوم روز هم‌آشنایی داشته باشد) صورت گیرد.

- کم‌کاری حوزه‌های علمیه در زمینه تولید علوم انسانی اسلامی به دلیل عدم شکل‌گیری دغدغه جدی و احساس ضرورت انجام این کار در فضای عمومی حوزه‌های علمیه (ضعف‌های ساختاری، بینشی و رسالتی در حوزه‌های علمیه)؛

- محدودیت‌های موجود (حمایت معنوی، کمبود سرمایه انسانی متعهد و متخصص، محدودیت‌های مالی و ...) در مراکز فعال در زمینه تولید علم دینی نسبت به عظمت و گستردگی فعالیت‌های مورد نیاز؛

- برخورد‌های افراطی در نقد تمدن غرب و تحلیل نادرست از نسبت آن با اسلام؛ هر چند تمدن غرب مبتنی بر یک‌سری مبانی فکری نادرست و انحرافی است، ولی این تمدن می‌تواند تولیدات مفیدی نیز داشته باشد، بنابراین نقد این تمدن به معنای کنار گذاشتن تمامی دستاوردهای آن (از جمله علوم) نبوده و لازم است که این دستاوردها با یک دستگاه تصفیه معرفتی بازنگری (پذیرش/رد کامل/اصلاح) شوند؛

- عدم وجود عدالت علمی مناسب جهت قرار دادن تریبون‌ها و کرسی‌ها در اختیار فعالان عرصه تولید علم دینی برای بیان آراء و نظرات خویش؛ به علت وجود نوعی فضای انحصارگرایی در برخی مراکز علمی و غلبه داشتن استادانی با بینیش سکولار، بستر مناسبی برای طرح دیدگاه‌های مختلف (از جمله علم دینی) و ایجاد فضایی جهت تضارب آراء و در نتیجه تحقق کرسی‌های آزاداندیشی وجود ندارد؛

- برخی شتاب‌زدگی‌های موجود در بحث تولید علم دینی؛ تولید علم (بالأخص در حوزه علوم انسانی)، پدیده‌ای زمان‌بر بوده و نیازمند فرآیندی بلندمدت همراه با تعمق و فعالیت علمی دقیق و حساس می‌باشد، بنابراین نباید به هر دلیل در این حوزه شتاب‌زده عمل کرده و اصل کار را زیر سؤال برد؛

- معارضان جدی معرفتی در زمینه تولید علم دینی: با توجه به ابعاد سلبی و ایجابی بحث تولید علم دینی، معارضان معرفتی جدی در این زمینه (به لحاظ سلبی) وجود دارد که همین موضوع و ضرورت وقت‌گذاری در زمینه مزبور، سرعت بُعد ایجابی و تولیدی کار را پایین می‌آورد. علاوه بر این جریان نسبتاً معمول در مراکز علمی، برخی مخالفان این جریان با نگاهی غالباً سیاسی، در پی



ایجاد گروه‌های معارضی در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها هستند که باعث تلف شدن وقت و انرژی و دور ماندن محققین از حوزه‌های اصلی تولید علم دینی و صرف وقت و انرژی در حوزه‌های حاشیه‌ای می‌گردند.

### شهلا باقری

دکتر شهلا باقری از استادان فعال در عرصه تولید علم دینی و ایجاد زمینه‌های اسلامی در حوزه مطالعات علوم انسانی (بالأخص مباحث و مسائل جامعه‌شناختی) است. ایشان ضمن عضویت و سابقه مدیریت در گروه جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی، در حال حاضر مدیر گروه مطالعات زنان و خانواده دانشگاه الزهرا (سلام‌الله‌علیها) نیز می‌باشد و علاوه بر فعالیت‌های علمی و معرفتی تلاش‌های زیادی را در نیز در جهت ایجاد گروه‌های علمی با رویکرد مزبور داشت و با توجه به سابقه مدیریتی و تلاشی که جهت ایجاد برخی تغییرات ساختاری در گروه‌های آموزشی و منابع مورد نیاز آن‌ها (با محور قرار دادن بحث تحول در علوم انسانی) داشت، شناخت خوبی از موانع ساختاری این کار داشته و در واقع به دنبال ایجاد ساختارهای لازم برای این موضوع مهم است، در واقع می‌توان ایشان را از نمونه‌های بارز استادان متعهدی دانست که ضمن التزام به باورهای ارزشی و انقلابی، تلاش‌های علمی و اجرایی فراوانی را نیز در راستای تحقق دغدغه‌های خویش داشته است.

عناصر کلیدی مباحث مطرح شده از سوی ایشان را می‌توان در قالب یک مثلث مقاومت در مقابل تولید علم دینی تصور نمود. مثلثی شامل عناصر «فرهنگی- روانی»، «معرفتی» و در نهایت «ساختاری». در مجموع، مسائل و موضوعات استخراج شده از مباحث ایشان را می‌توان در این موارد برشمرد:

- برخی ابهامات ناشی از ضعف ساختاری وزارت علوم و دانشگاه‌ها (اعم از؛ عدم شفافیت در بحث برنامه‌ریزی و تنظیم منابع درسی و اختیارات دانشگاه‌ها در اعمال تغییر دروس، تمرکز یا عدم تمرکز برنامه درسی، امکان و نحوه ایجاد عناوین جدید درسی در گروه‌های مختلف آموزشی به‌ویژه با رویکرد اسلامی)؛

- مقاومت فرهنگی و روانی: مقاومت و سنگ‌اندازی برخی گروه‌های آموزشی (بالأخص گروه‌های جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و ...)، بسیاری از استادان تحصیلکرده در غرب، یا استادانی که تحت تأثیر فضای روشنفکری غرب قرار دارند و در واقع این استادان را می‌توان گروه‌های غالب فکری در فضای دانشگاهی نیز دانست؛

- مقاومت معرفتی: محدود کردن گستره علم و برداشت تجربه‌گرایانه از علم و محدود کردن دین به یک سری عبادات فردی از سوی برخی از گروه‌های آموزشی و مطرح کردن ادعای استقلال آموزه‌های دینی از مباحث علمی (نگاه سکولاریستی و غرب‌گرا)؛



- مقاومت ساختاری: قرار گرفتن مدیریت ساختاری دانشگاه‌ها در اختیار افرادی که غالباً نسبت به بحث اسلامی‌سازی علوم یا نگاهی معارض دارند یا دارای نگرشی بی‌تفاوت هستند؛
- جذب بسیاری از افراد مخالف با بحث علوم انسانی اسلامی به عنوان اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها؛
- عدم وجود آیین‌نامه‌های کافی و ویژه جهت تأکید و تسهیل ساختارهای تولید علم دینی و همچنین عمل نشدن به بسیاری از آیین‌نامه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی پیرامون تولید علوم انسانی دینی؛
- عدم قدرت اعمال تکلیف ساختاری (الزام‌آور نبودن تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های تهیه شده) از سوی شورای تحول در علوم انسانی در وزارت علوم و دانشگاه‌ها؛
- گرایش‌های سیاسی و برخوردهای گروهی با موضوع تولید علوم انسانی دینی؛
- عدم تبدیل شدن گفتمان تولید علم دینی به یک مطالبه و انگیزه عمومی در بین دانشگاهیان؛
- عدم وجود مرجعی قدرتمند جهت ورود و برخورد با موانع ساختاری و تصمیمات سیاسی موجود بر سر راه تولید علم دینی و پیگیری خواسته‌ها؛
- عدم حرکت نظام‌مند جریان تولید علم دینی تحت زعامت و نظر مرجع و شخصیتی مورد قبول تمامی گروه‌ها و رویکردهای مطرح در زمینه تولید علم دینی؛
- حاشیه‌نشینی برخی فعالان عرصه تولید علم دینی: علاقه‌مند نبودن برخی معتقدین به تولید علم دینی جهت ورود به فضای چالشی دانشگاه‌ها و ترجیح به عزت‌نشینی و یا تحقیق و تدریس در محیط‌های همفکر؛
- در حاشیه بودن مراکز فعال در عرصه تولید علم دینی و عدم حضور جدی اعضای آن در بطن دانشگاه‌ها؛
- عدم تلاش جدی جهت پشتوانه‌سازی انسانی و تقویت افراد متخصص و متعهد جهت فعالیت در زمینه تحول در علوم و در نهایت جذب این افراد در گروه‌های آموزشی دانشگاه‌ها و مراکز و نهادهای مختلف علمی؛
- تحریک روانی برخی از دانشجویان و مسئولان علیه جریان‌های فعال در زمینه تولید علم دینی از سوی برخی استادان و معارضان و مخالفان علم دینی؛
- ضعف تبلیغاتی و عدم انتشار صحیح و مناسب تولیدات حوزه بومی‌سازی علم و آشنا کردن دیگران با اقدامات صورت گرفته (در قالب مجلات علمی، کتاب و ...) در این حوزه؛
- تشکیلاتی و منسجم عمل نکردن معتقدین به تولید علم دینی و در نتیجه؛ جزیره‌ای عمل کردن رویکردها و گفتمان‌های مختلف فعال در عرصه تولید علم دینی؛





- عدم شبکه‌سازی و وجود یک شبکه تحقیقاتی منسجم برای شناسایی فعالان عرصه اسلامی‌سازی علوم جهت ایجاد فضای گفتگو در میان ایشان، شناسایی ضعف‌های موجود در کارهای یکدیگر، انتشار تولیدات و ...؛

- عدم وجود مشوق‌های جدی مادی و معنوی در زمینه تحول در علوم انسانی (حمایت معنوی و ایجاد دلگرمی، امتیازات پژوهشی، تسهیل در جهت چاپ و انتشار آثار برتر علمی این حوزه در محل‌های معتبر)؛

- فقدان و یا عدم وجود کافی افراد متعهد متخصص و معتقد به تولید علم دینی در فضاهای مختلف ساختاری.

### یحیی بوذری نژاد

دکتر بوذری‌نژاد از استادان متعهد و جوانی است که با دغدغه و رویکردی بومی به تحقیق و تدریس در حوزه‌های مختلف علوم اجتماعی می‌پردازند، ایشان مدیریت گروه علوم اجتماعی اسلامی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران را بر عهده داشته و به دنبال پیشرفت کمی و کیفی این گروه تازه تأسیس است. گروه علوم اجتماعی اسلامی با تلاش برخی از استادان مطرح و فعال در حوزه تولید علوم اجتماعی اسلامی همچون دکتر پارسانیا، دکتر کچویان و دکتر جمشیدیها، به راه افتاده و البته با سنگ‌اندازی‌ها و حاشیه‌سازی‌های تعداد نه چندان اندکی از استادان و مسئولان غرب‌گرای این دانشکده همراه بوده است؛ اما علی‌رغم این مخالفت‌های عمدتاً سیاسی و روانی، این گروه با تلاش در جهت جذب دانشجویان علاقه‌مند به تحول در علوم اجتماعی در مقاطع و رشته‌های مختلف، جذب استادان توانمند در این حوزه و دعوت از استادان متعهد و صاحب‌نظر سایر مراکز علمی و همچنین در اختیار داشتن فصلنامه «نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان» جهت چاپ تولیداتی با رویکرد مزبور، مسیر پر فراز و نشیب خود را طی کرده و به دنبال پیشرفت و ارتقای بیش از پیش فعالیت‌های خویش بوده است.

اما محورها و مسائل مطرح شده در مباحث دکتر بوذری‌نژاد را می‌توان در موارد زیر طبقه‌بندی نمود که البته بحث‌های مطرح شده حول مبانی فکری و مبادی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است:

- ابتنای ساختاری و محتوایی نظام علمی و آموزشی ایران بر مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی مورد حمایت تمدن غرب؛

- عدم آشنایی استادان دانشگاه‌ها با مبانی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی اسلام؛

- شکاف بین علوم سنتی (همچون؛ اصول، کلام و ...) و علوم جدید؛



- مشخص نبودن وجه تمایز علم غربی با علم مطلوب اسلامی به دلیل عدم آشنایی با مبانی و پیش‌فرض‌های این علوم در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و آموزشی کشور؛
- در حاشیه و بیرون از دانشگاه بودن بسیاری از مراکز و مؤسسات فعال در زمینه علم دینی و عدم تأثیرگذاری زیاد بر دانشگاه‌ها به دلیل عدم ارتباط جدی آن‌ها با دانشگاه‌ها؛
- وجود دیدگاه‌های مختلف در زمینه علم دینی، جزیره‌ای عمل کردن و عدم گفتگوی جدی میان آن‌ها؛
- عدم وجود یک نگاه ثابت نسبت به بحث تولید علم دینی و تنوع زیاد دیدگاه‌های موجود در این حوزه؛
- رویکرد افراطی برخی افراد و دیدگاه‌های این حوزه نسبت به علوم غربی مبنی بر حذف کامل این علوم؛
- سیاسی جلوه دادن بحث اسلامی‌سازی علوم از سوی برخی منتقدین و معارضان تولید علم دینی.

#### حمید پارسانیا

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر پارسانیا از جمله مهم‌ترین استادان باسابقه‌ای است که طی سالیان متمادی؛ تلاش‌ها، فعالیت‌ها و آثار درخور توجهی را در زمینه علوم انسانی اسلامی؛ بالأخص در حوزه مطالعات علوم اجتماعی به جامعه علمی کشورمان (اعم از دانشگاهی و حوزوی) عرضه داشته است. ایشان به لحاظ تحصیلات حوزوی از شاگردان برجسته حضرت آیت‌الله جوادی آملی بوده و با بهره‌گیری از مفاهیم فلسفه اسلامی (به‌ویژه فلسفه صدرایی) دیدگاه‌های خویش را ارائه نموده است. همچنین ایشان در حال حاضر از اعضای برجسته گروه جامعه‌شناسی و نیز علوم اجتماعی اسلامی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران می‌باشند و علاوه بر آن دارای تأثیرات و فعالیت‌های علمی جدی در گروه‌های جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) و دانشگاه باقرالعلوم (علیه‌السلام) می‌باشد. در کنار فعالیت‌های علمی و پژوهشی مزبور، ایشان فعالیت‌ها و سوابق مهمی را نیز در حوزه‌های سیاست‌گذاری و اجرایی مربوط به اسلامی‌سازی علوم دارا هستند که از میان حجم گسترده این فعالیت‌ها، می‌توان به سابقه مدیریت ایشان در دانشگاه باقرالعلوم (علیه‌السلام) و در حال حاضر، عضویت ایشان در شورای عالی انقلاب فرهنگی و همچنین ریاست پژوهشگاه علوم و حیاتی معارج بنیاد بین‌المللی اسراء اشاره نمود.

مواردی که ایشان برای بحث موانع تولید علوم انسانی دینی مطرح کرده‌اند را می‌توان در دو گروه موانع نرم‌افزارانه و سخت‌افزارانه تقسیم کرد؛ که البته ارجحیت و اهمیت با موانع نرم‌افزارانه (بالأخص در بحث استقرار نظام معرفتی غرب) می‌باشد:



- عدم برخورد سالم با علوم غربی؛ به این معنی که مبانی و مبادی متافیزیکی آن‌ها به درستی شناخته نشده و اصولاً این علوم همراه با شناسنامه خود وارد نشده است؛
- عدم وجود قدرت‌گزینش، مجادله و گفتگو (به دلیل شناسنامه‌دار و آشکار وارد نشدن فلسفه علم)؛
- از بین رفتن خلاقیت‌های علمی درازمدت به دلیل رسوب مبانی فرهنگی و فلسفی علم غربی در ذهن نوآموزان رشته‌های علوم انسانی به شیوه‌ای غیرنقادانه (مبادی یک علم برگرفته از محیط و فرهنگ یک جامعه است و هنگامی که این مبادی به صورت آشکار در معرض دید و بررسی متعلم قرار بگیرد احتمال برخورد نقادانه با آن علم و حتی در مواردی ایجاد تحول و تغییر در آن وجود خواهد داشت)؛
- عدم وجود یک سیاست‌گذاری دقیق و عملیاتی جهت بازخوانی و بازبینی دقیق مبانی و مبادی فکری و فلسفی علم غربی با در نظر گرفتن مبانی و مبادی فکری اسلامی؛
- برداشت ناصحیح از مفهوم علم و غیرعلمی‌انگاشتن مفاهیم غیرتجربی (علم- دانش آزمون‌پذیر) و انتقال این برداشت و مفهوم غربی علم به کشور ما؛
- رسوخ این تفکر در نظام علمی و آموزشی کشورمان که علم صرفاً محدود به مفاهیم و دانش آزمون‌پذیر بوده و سایر مفاهیم موجود در قرآن، فلسفه، حدیث و ... علمی نمی‌باشد؛
- تنظیم سازمان‌ها، ساختارها و همچنین فرهنگ علمی و آموزشی کشور بر اساس مبانی مفهوم غربی علم (تلقی تجربه‌گرایانه از علم)؛
- نادیده گرفتن ذخایر و پشتوانه‌های علمی و فرهنگی کشور به دلیل وجود نگاه غرب‌گرایانه به علم؛
- عدم آشنایی دوباره با مبادی فکری علم؛ علی‌رغم مشخص شدن برخی مسائل در رویکردهای پست‌مدرن و پسا‌ساختارگرایانه؛
- احاطه فرهنگ علمی غرب در سطح جهان؛ به این معنی که اگر در سطح جهان فردی مبانی و فرهنگ علمی مزبور را قبول نداشته باشد، عالم محسوب نمی‌شود؛
- تنظیم عوامل ارتقاء علمی بر اساس مبادی فرهنگ علمی غرب (ISI نویسی و ...)
- بهره‌گیری از فرهنگ علمی غرب به عنوان وسیله‌ای برای کسب هویت، شخصیت و حتی مواهب اقتصادی از سوی برخی افراد و استادان مراکز علمی؛
- استفاده از مدیران و مسئولان میانی غیرمعتقد به بحث تولید علم دینی و قرار گرفتن بسیاری از اهرم‌های مدیریت علمی در اختیار برخی معتقدین به فرهنگ علمی غرب؛
- انحصارگرایی علمی و محدود کردن فضاها، مخالفت با فرهنگ علمی غرب از سوی برخی مسئولان و استادان معتقد به فرهنگ علمی غرب؛



- سیاسی کردن موضوع تولید علم دینی از سوی برخی افراد و استادانی که با اصل انقلاب اسلامی و نظام حاکم در کشور، دارای مشکلات و تعارضات سیاسی و اعتقادی هستند؛
- سیاسی جلوه دادن تولید علم دینی به عنوان یک امر سیاسی و فرمایشی، توسط برخی مخالفان و منتقدان و تبدیل شدن حفظ فرهنگ علمی غرب به عنوان یک ابزار مقاومت سیاسی در برابر نظام و انقلاب اسلامی؛
- القاء برخی مباحث شکاکیت‌آلود و نسبی‌گرایانه برخاسته از مبانی پست‌مدرن در مجامع علمی و دانشگاهی؛
- درونی شدن برخی مسائل و عناصر مربوط به فرهنگ علمی غرب برای برخی از استادان دانشگاهی (به لحاظ ذهنی و روانی)؛
- القانات منتشر شده در بین دانشجویان از سوی برخی استادان سکولار، پیرامون فرهنگ علمی غرب؛
- باقی ماندن سازه‌ها و ساختارهای فرهنگ علمی غرب در فضای علمی و آموزشی کشور و همچنین شکل گرفتن ساختارهای علمی و آموزشی بر اساس مبانی نرم‌افزارانه علم غربی؛
- ضعف موجود در شورای عالی انقلاب فرهنگی و عدم روشن شدن بحث ضرورت تولید علوم انسانی دینی از سوی برخی اعضای عمدتاً حقوقی این شورا (شورای عالی انقلاب فرهنگی یک اتاق فکر محض نیست و تقریباً نیمی از اعضای آن اجرایی و دولتی هستند که برخی از این افراد اطلاع درست و کافی از مباحث فکری و فلسفی ندارند)، نگاه سیاسی برخی اعضاء نسبت به این مسئله مهم و همچنین محدود بودن فعالیت‌های این شورا به سیاست‌گذاری و عدم اجرایی بودن آن؛
- عدم وجود همدلی کامل به دلیل کمبود نیروهای اجرایی آشنا با مباحث و نظام معرفتی در همه سطوح؛

### غلامرضا جمشیدیها

دکتر غلامرضا جمشیدیها از استادان صاحب‌نظر در حوزه علوم اجتماعی اسلامی و اندیشه‌های اجتماعی متفکران مسلمان می‌باشد، ایشان از ارکان اصلی راه‌اندازی گروه علوم اجتماعی اسلامی در دانشگاه تهران می‌باشند؛ گروهی که یکی از پیش‌تازان اصلی فعالیت‌های دانشگاهی در عرصه علوم انسانی اسلامی بوده و در مجاورت با سایر دیدگاه‌های رایج و مطرح در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران فضا و تقابلهای خاصی را تجربه می‌کند. دکتر جمشیدیها پس از تلاش‌ها و تأثیر بسیار مهمی که در راه‌اندازی گروه آموزشی مزبور در مهم‌ترین و بزرگ‌ترین دانشگاه ایران داشته است، فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی خود را نیز از گروه جامعه‌شناسی به سمت این گروه متمایل و متمرکز کرده و مدت‌ها مدیریت این گروه نوپا را بر عهده‌گرفته و نقش بسزایی در رشد



آن داشته است. ایشان در کنار فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی دارای سوابق اجرایی و ساختاری مهمی نیز بوده است؛ ریاست دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران و مدیریت گروه علوم اجتماعی اسلامی از سوابق فعالیت‌های مزبور وی بوده و در حال حاضر نیز علاوه بر عضویت در شورای تحول در علوم انسانی شورای عالی انقلاب فرهنگی، مسئولیت معاونت فرهنگی اجتماعی دانشگاه تهران را نیز عهده‌دار است.

اما در بحث موانع تولید علوم انسانی اسلامی، به نظر می‌رسد که ایشان برای عوامل ساختاری نقش بسزایی قائل می‌باشد که با توجه به سوابق و فعالیت‌های جدی ایشان در حوزه‌های اجرایی و اشرافی که وی به موضوعات و جوانب این موضوع داشته‌اند، می‌تواند بسیار قابل توجه و حائز اهمیت باشد:

- عدم وجود تلقی درست و مناسب نسبت به بحث اسلامی‌سازی علوم انسانی و وجود برخی نگاه‌های صرفاً تهنیدی پیرامون این موضوع (گنجاندن برخی دروس معارف اسلامی در کنار بدنه اصلی علوم انسانی قبل از انقلاب اسلامی)؛

- تداوم نظام فرهنگی و آموزشی دوره پهلوی در دوره بعد از انقلاب اسلامی و حفظ ساختارهای اصلی علمی و فرهنگی دوره قبل؛

- عدم تلاش جدی وزارت علوم در این زمینه به دلیل عدم درک درست از جایگاه علوم انسانی؛

- تغییر رسالت‌های اصلی و اولیه دانشگاه‌هایی همچون تربیت مدرس که در اوایل انقلاب برای پر کردن برخی خلأهای موجود در زمینه علوم انسانی تأسیس و شروع به فعالیت کرد؛

- عدم وجود نگرش‌های جدی نوآورانه و مبتکرانه در زمینه علوم انسانی در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌هایی با رویکرد حوزه‌های علمیه؛

- به شهادت رسیدن و از دست دادن بسیاری از متفکران بزرگ انقلاب اسلامی همچون؛ شهید مطهری، شهید صدر، دکتر شریعتی و ... در اوایل انقلاب اسلامی؛

- عدم سرمایه‌گذاری و درک درست دولت‌های مختلف نسبت به مقوله علوم انسانی (فرصت‌ها و تهدیدهای آن) در سال‌های متمادی بعد از انقلاب اسلامی؛

- نیاز علوم انسانی به حمایت‌های مادی و معنوی بلندمدت؛

- عدم بهره‌گیری درست از معارف دینی در کنار انتقال مفاهیم و نظریات غربی به دانشجویان و در نتیجه؛ تأکید افراطی بر نظریات غربی بدون ارائه نقد و مطرح کردن دیدگاه‌های مقابل؛

- محدود شدن بحث تولید علوم انسانی اسلامی به برخی شعارها و سخنرانی‌ها از سوی برخی معتقدین و عدم ارائه تولیدات جدی در زمینه‌های مزبور؛

- وجود کمبودها و برخی محدودیت‌های ساختاری در زمینه ایجاد رشته‌ها و تربیت دانشجویانی با نگاه تحول‌گرایانه در زمینه علوم انسانی؛



محمد حسین زاده

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد حسین زاده از استادان توانمند مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) قم می‌باشد که در زمینه فلسفه و معرفت‌شناسی، فعالیت‌های علمی و آموزشی چشمگیری داشته و دارد، ایشان با داشتن احاطه به مسائل مختلف معرفت‌شناختی، در مباحث خود توجه خاص و نوآورانه‌ای به ارائه مسائل و قواعد معرفت‌شناسی دینی داشته و دارای تألیفات زیادی (بالغ بر ۲۰ عنوان کتاب) در حوزه مزبور می‌باشد، البته ایشان در تألیفات و تولیدات خویش توجه خاصی به داشتن مباحثات و گفتگوهای علمی داشته و جهت نیل به این مقصود از استادان توانمند و متخصصی همچون پروفسور محمد لگنهاوزن، آیت‌الله کعبی و ... بهره گرفته است. با توجه به جایگاه مهمی که دانش معرفت‌شناسی در زمینه بررسی تولیدات علمی دارد، بهره‌گیری از دیدگاه‌های استادانی همچون ایشان بسیار مفید و مغتنم خواهد بود.

دکتر حسین زاده در مباحث خویش، توجه ویژه‌ای به مسائل ذهنی و روانی داشته و همچنین عدم توزیع و انتشار مناسب تولیدات حوزه علم دینی را از موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی اسلامی برمی‌شمارد:

- وجود نگاه ترجمه‌ای در حل مسائل و عدم وجود نگاه منتقدانه و خلاقیت‌محورانه در مسائل (دلدادگی و نگاه صرفاً پذیرشی نسبت به علوم و متون غربی)؛
- لذت ذهنی و روانی برخی استادان، متخصصان و مترجمان نسبت به متون و علوم غربی (به دلیل احاطه به زبان‌های خارجی و ...) و عدم داشتن رغبت به شنیدن و پذیرش قول احسن؛
- وجود ضعف و عدم توانایی‌های لازم در برخی ابعاد مورد نیاز جهت ایجاد خلاقیت در حل مسائل و نهایتاً نظریه‌پردازی در این موضوعات؛ ضعف در تحلیل مسائل و پایین بودن قدرت فهم، تحلیل و نقادی؛
- جزم‌انگاری و روحیه تعصب‌انگارانه برخی استادان؛ بدین‌صورت که برخی از استادان علی‌رغم مشخص شدن حقایق یک مسئله، به دلیل تعصب و دل‌بستگی ذهنی و روانی حاضر به پذیرش حرف حق نخواهند بود، تعصبی که ناشی از خواسته‌های نفسانی و عدم تمسک و بهره‌گیری از اخلاق صحیح اسلامی است؛
- خودباختگی شخصیتی و عدم درک صحیح مسئله «ما می‌توانیم»: یک سری از افراد و استادان در مواجهه با حجم کتاب‌ها و تئوری‌های طرف مقابل، دچار نوعی خودباختگی شده و حتی نقدهای وارد بر طرف مقابل را توجیه و عیب‌های آن‌ها را می‌پوشانند؛
- وجود برخی مسائل مربوط به شکاکیت، نسبی‌گرایی و سوپزکتیویسم در غالب تفکرات مربوط به علوم انسانی امروزی؛



- ضعف در انتشار، توزیع، تبلیغ، اشاعه مناسب اندیشه‌ورزی‌ها و تولیدات صورت گرفته در حوزه علم دینی؛

- سنگ‌اندازی‌های جریان‌های مخالف داخلی و بین‌المللی نظام جمهوری اسلامی با ایجاد تفکرات و گروه‌های انحرافی اسلامی که باعث به حاشیه کشاندن و بدبینی نسبت به تفکرات غنی و منطقی اسلامی می‌شود؛

- ضعف‌های مدیریتی، ستادی و اجرایی موجود در عرصه‌های مختلف مورد نیاز در تولید علم دینی؛

### حسین سوزنچی

دکتر حسین سوزنچی یکی از استادان صاحب‌نظر در عرصه تولید علوم انسانی دینی است که دیدگاه‌های خود در زمینه ضرورت و کیفیت تولید علم دینی و همچنین موانع موجود بر سر راه آن را در برخی آثار خویش، بالأخص کتاب «معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی» مطرح کرده است. ایشان تقریباً به مدت یک دهه عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) بود اما جهت تکمیل و تمرکز بیشتر بر مطالعات و پژوهش‌های خویش و برای استفاده بهتر از مباحث استادان حوزه علمیه قم به این شهر هجرت کرده است و در حال حاضر به عنوان هیئت علمی در گروه جامعه‌شناسی دانشگاه باقرالعلوم (علیه‌السلام) مشغول فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی خویش می‌باشد. جامعه‌شناسی معرفت و دین از دیگر زمینه‌های مورد علاقه ایشان می‌باشد که مورد استقبال بسیاری از مراکز علمی و آموزشی است.

به اعتقاد ایشان با وجود تمامی موانع و مشکلات، آینده پیش‌روی حوزه تولید علوم انسانی دینی آینده بسیار روشنی است و برخی از جوانه‌های امیدبخش آن در حال حاضر قابل رؤیت می‌باشد، در ادامه موارد مطرح شده از سوی ایشان احصاء می‌شود:

- ضعف در میدان دادن به نیروهای جوان متعهد و متخصصی که فکرشان بسته نشده و حق‌پذیر هستند؛ در حال حاضر در دانشگاه‌های کشور، عموماً اعتبار و جایگاه استادان بر مبنای سن و سابقه آن‌ها است و این در حالی است که غالباً فضای فکری ایشان همان فکری و اندیشه‌ورزی گذشته است و اعتقاد چندانی به نوآوری و تولید علم دینی ندارند؛

- نظام اعتبار و ارتقاء علمی در مراکز علمی و آموزشی ما مبتنی بر همان مؤلفه‌های علم غربی است؛ به این معنی که به جای توجه به اجتهاد و نوآوری، مینا، تعداد مقالات چاپ شده در ISI و ... می‌باشد؛



- بسط و گسترش نظام آموزشی و دانشگاهی مبتنی بر همان مؤلفه‌های دوران گذشته که در واقع عناصر موجود در فرهنگ علمی غرب می‌باشد (رشد کمی و بی‌برنامه مراکز آموزش عالی در کشور)؛

- برخی مسائل و اقدامات سیاسی و اقتصادی مطرح در زمان دولت سازندگی که سبب ایجاد نوعی روحیه غرب‌گرایی و توسعه مبتنی بر مؤلفه‌های غربی شد و نتیجه آن؛ بسط و گسترش مؤلفه‌های غربی در نظام آموزشی و دانشگاهی کشور بود؛

- سیر دادن نوآموزان و ورودی‌های جدید به سمت دانشگاه‌هایی با مؤلفه‌های فرهنگی علمی غرب و تقاضای کمتر برای ورود به حوزه‌های علمیه (جذب نخبگان در دانشگاه‌ها بسیار بیشتر از حوزه‌ها است و از طرف دیگر این افراد در دانشگاه‌ها هم بیشتر جذب رشته‌های مهندسی و پزشکی و ... می‌شوند)؛

- ساختار فکری و بافت سنتی حوزه‌های علمیه، از دست دادن میراث اصلی حوزه‌ها و عدم بازیابی ماهیت و هویت اصلی خویش (بعد از اینکه در دوره رضاخان فعالیت‌های حوزه‌های علمیه با مشکل مواجه شد، بزرگان حوزه جهت حفظ حوزه‌ها مجبور به محدود کردن دروس به عناوین اصلی اصول و فقه شدند و این در حالی است که بعد از گذشت سال‌ها، هنوز این مراکز علمی و دینی نتوانستند هویت اصلی خویش را بازیابند و در حال حاضر نیز تعابیری چون آخوند سیاسی و ...، در ذهن برخی از علما و حوزویان صاحب‌فکر رسوب کرده و ذهن‌های مبتنی بر اصالت فقه و اصول - بدون توجه به سایر حوزه‌های مورد نیاز جامعه - را به وجود آورده است)؛

- فعالیت و نفوذ دشمنان در حوزه‌های علمیه (به عنوان اصلی‌ترین ساختار مدعی و مکلف به تولید علم دینی) و ایجاد جریان‌های سیاسی منحرف و معارض با نظام و انقلاب اسلامی و این در حالی است که با توجه به حضور بسیاری از بزرگان و نیروهای فکری انقلاب اسلامی در مناصب سیاسی و اجرایی، عرصه برای حضور و عرض‌اندام این گروه‌ها، جریان‌ها و افراد در حوزه‌های علمیه بیشتر شده است؛

- ترور و شهادت بسیاری از نیروهای اصیل و اندیشمند انقلاب اسلامی در سال‌های اولیه پیروزی انقلاب؛

- بهره‌گیری از نیروهای قوی فکری و انقلابی در حوزه‌ها و مناصب سیاسی و اجرایی نظام؛ البته این بکارگیری بنا به ضرورت و احساس نیاز بوده است؛ ولی موجب کمبودهایی در عرصه استادان صاحب اندیشه و انقلابی در مراکز دانشگاهی و بالأخص حوزوی ما شده است؛

- مشغله‌های فراوان سیاست‌گذاری و اجرایی برخی از شخصیت‌های اصلی معتقد به تولید علم دینی؛





- مواضع انتزاعی، غیرعملیاتی و در خلأ بودن اندیشه‌ورزی برخی جریان‌های مدعی تولید علم دینی که نتیجه آن جدایی این جریان‌ها از جامعه و نگاه کمتر واقع‌بینانه آنان در عرصه تولید علم بوده است؛
- قدمت، سابقه و امکانات بسیار زیاد تمدن ۴۰۰ ساله غرب جدید با بسیاری از امکانات جهانی؛ بنابراین قرار گرفتن در مقابل چنین تمدنی کار آسانی نخواهد بود؛
- پایین بودن تعداد افراد متعهد و متخصص فعال در عرصه تولید علم دینی (علی‌رغم امکانات فراوان مادی و انسانی جبهه مقابل)؛
- پایین بودن جلسات گفتگو (با موضوعات مختلف سیاسی، علمی و فرهنگی) میان معتقدان و قائلان به تولید علم دینی جهت نزدیک‌تر شدن افق‌های فکری به یکدیگر؛
- تمرکز بیش از حد برخی صاحبان فکر و اندیشه بر بُعد فرهنگی این موضوع (تبلیغ و آشنا کردن دیگران با جنبش نرم‌افزاری و عرصه تولید علم دینی) که باعث بازماندن ایشان از کار اصلی‌تر (بُعد تئوریک و تولید محتوا) شده است.

### ابراهیم فیاض

دکتر ابراهیم فیاض از دیگر استادان فعال در زمینه تولید علم دینی است، ایشان در حال حاضر به‌عنوان هیئت علمی در گروه انسان‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران حضور داشته و بیشتر فعالیت‌های خویش را در حوزه مبانی و مسائل حوزه انسان‌شناسی دینی متمرکز کرده و تولیدات ایجابی خوبی نیز در این زمینه داشته است. با توجه به چهره علمی دکتر فیاض، می‌توان ایشان را یکی از معروف‌ترین استادان نام‌آشنای حوزه مطالعات دینی و انقلاب اسلامی دانست که به واسطه حضور در دوره‌ها و برنامه‌های مختلف، بالأخص در میان دانشجویان و جوانان شناخته شده‌تر می‌باشند.

ایشان بیشترین موانع موجود بر سر راه تولید علم دینی را موانعی درونی دانسته و نسبت به برخی کوتاهی‌ها، کج‌فهمی‌ها و بی‌عدالتی‌ها مواضع بسیار منتقدانه‌ای را دارد:

- برداشت و تلقی نادرست از مفهوم علم دینی از سوی قائلان و معتقدان به آن و اشتباه رفتن مسیر از اول؛

- انحصارگرایی و محدودیت صورت گرفته در زمینه تولید علم دینی و طرد کردن برخی افراد از این حوزه؛

- ایجاد فضای شعاری پیرامون موضوع تولید علم دینی که هم باعث تضعیف دین شده و هم علم دینی؛



- استفاده‌های ابزاری برخی از فعالان حوزه تولید علم دینی از این حوزه جهت رسیدن به امیال و خواسته‌های اقتصادی، علمی، اجتماعی (شهرت و ...) خویش؛
- پس‌زده شدن بحث تولید علم دینی توسط دانشگاه‌ها و حتی حوزه‌های علمیه به دلیل جلوداری و داعیه افرادی با ویژگی فوق؛
- مشغله‌ها و مسئولیت‌های زیاد حلقه‌های اصلی تولید علم دینی؛
- ضعف‌های ساختاری و کارکردی موجود در شورای عالی انقلاب فرهنگی و بهره‌گیری از افراد نه چندان متخصص؛
- کپی‌برداری ناقص از بعضی مباحث علم غربی توسط برخی از قائلان و جا زدن آن‌ها به‌عنوان تولیدات عرصه تولید علم دینی؛
- ضعف‌های مالی و حمایتی برخی از مراکز و مؤسسات فعال و مستقل در عرصه تولید علم دینی؛
- نگاه انتزاعی و غیرواقعی‌بینانه برخی از فعالان این حوزه و عدم ارتباط درست با محیط و جهان پیرامون؛
- عدم آشنایی و درک صحیح با مباحث نظری تمدن غرب به دلیل مشغله‌ها و ... متخصصان این حوزه؛
- مهجوریت و عدم بهره‌گیری از ذخایر و مباحث برخی بزرگان (مانند علامه طباطبائی) در عرصه علم دینی.

### عبدالحسین کلانتری

دکتر عبدالحسین کلانتری نیز از استادان جوان و پرتلاش حوزه مطالعات جامعه‌شناسی بومی است. ایشان را باید یکی از شاگردان اصلی دکتر حسین کچویان دانست که در حال حاضر نیز جا پای استاد خویش گذاشته و مدیریت گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران را بر عهده دارد. البته این نکته را نیز باید خاطر نشان کرد که دیدگاه‌های ایشان با نظرات برخی دیگر از استادان هم‌فکر ایشان در گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران همچون؛ دکتر کچویان، دکتر پارسانیا و ... دارای اختلافاتی می‌باشد و تأکید ایشان نسبت به قید دینی یا اسلامی در جامعه‌شناسی و سایر حوزه‌های علوم انسانی کمتر بوده و ظاهراً چارچوب کلی علوم موجود (بالأخص جامعه‌شناسی) را برای انجام فعالیت‌های پژوهشی بومی خود قابل قبول می‌داند، اما در مجموع، با توجه به اعتقادی که به ماهیت و جایگاه انقلاب اسلامی دارد، بر این باور است که معارف و آموزه‌های دینی قادر به گشودن بسیاری از تنگنای جامعه‌شناسی است؛ علمی که به اعتقاد ایشان در حال حاضر در ایران دچار بحران شده و چندان قادر به تحلیل و حل مسائل موجود نمی‌باشد.



از نظر ایشان مهم‌ترین موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی بومی (دینی) در قالب موارد زیر قابل بیان می‌باشد:

- مخالفت‌های جدی دانشگاهی با بحث تولید علوم انسانی دینی و عدم غالب شدن و تبدیل شدن آن به یک هژمونی (البته اسطوره علمی غرب نیز در ایران شکسته شده است)؛

- زمان‌بر بودن فرآیند تولیدات علمی در حوزه‌های علوم انسانی و تلقی نادرست در خصوص کوتاه بودن فرآیند تولید علم بالأخص در حوزه علوم انسانی (علوم اجتماعی هم محصول تمدن است و هم تمدن‌ساز؛ بنابراین نیازمندی پروسه‌ای طولانی مدت است)؛

- بافت سنتی حوزه‌های علمیه و وارد نشدن جدی آن‌ها در بحث مسائل اجتماعی، علی‌رغم مطرح کردن اصل فقه پویا توسط برخی از بزرگان حوزه و در رأس آن‌ها حضرت امام خمینی (ره)؛

- برخی کم‌کاری‌های صورت گرفته از سمت نهادهای مهم و ذی‌ربط چون؛ شورای عالی انقلاب فرهنگی؛

- عدم انجام سیاست‌گذاری‌های صحیح علمی و آموزشی همچون: عدم جذب منطبق با نیاز دانشجویان تحصیلات تکمیلی، جذب گسترده و بدون برنامه دانشجویان و ...؛

- شعارزدگی و عدم وجود همیت و جدیت لازم در بین برخی از مسئولان ذی‌ربط (از مسئولان اجرایی گرفته تا مسئولان دانشگاه‌ها و فضاها عمومی مراکز علمی و آموزشی) جهت نیل به این مقصود؛ به‌گونه‌ای که عمل برخی از مسئولان برخلاف منویات رهبر معظم انقلاب بوده و علی‌رغم تأکید و حمایت ایشان، برخی از مسئولان کارشکنی کرده و وظیفه محوله را به درستی انجام نمی‌دهند؛

- بروکراسی علمی و تسلط جدی آن بر مراکز علمی و آموزشی مبتنی بر همان هویت فرهنگ علمی غرب؛

- عدم وجود فضای مناسب جهت گفتگو، تعامل و شناخت خلأهای موجود در بین معتقدان و رویکردهای مختلف در بحث تولید علم دینی (البته بحث تولید علوم انسانی اسلامی نباید به وفاق کامل موکول شود، چرا که در بحث علمی دیدگاه‌های مختلفی ارائه می‌شود و آنچه مهم است افزایش فرصت گفتگوهاست)؛

- نگاه فلسفی، انتزاعی و صرفاً نظری برخی دیدگاه‌های مطرح در حوزه تولید علم دینی و عدم ارتباط جدی و عملی آن‌ها با جامعه به عنوان یک واقعیت اجتماعی (اصول موجود در حوزه‌های علوم انسانی و بالأخص علوم اجتماعی، باید با توجه به یک رابطه رفت و برگشتی و در نتیجه برخورد با واقعیت اجتماعی مورد توجه قرار گیرد، به‌گونه‌ای که علوم اجتماعی با عمل و حیات اجتماعی ارتباط بسیاری دارد و بنابراین در بحث تولید علم دینی باید در عین توجه به مبانی نظری، به واقعیت‌های اجتماعی نیز رجوع شده و فرآیندی رفت و برگشتی باشد)؛



- عدم آشنایی مناسب و جدی بسیاری از دانشجویان و حتی استادان علوم انسانی با مبانی و مبادی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی علوم انسانی فعلی؛
- سیاسی جلوه دادن بحث تولید علوم انسانی بومی (دینی) علی‌رغم معرفتی بودن این بحث و برخی نگاه‌های سیاسی موجود در بین استادان و متهم کردن حامیان تولید علم بومی به اتصال و در خدمت قدرت بودن آن‌ها؛
- برخی سوءمدیریت‌ها و ناشی‌کاری‌های سیاسی از سوی برخی مسئولان که باعث افزایش حساسیت‌های بی‌موردی در این خصوص شده است؛ مثلاً بحث گزینش؛ که علی‌رغم کارایی مناسب آن، به عنوان ابزار و دستاویزی در دست مخالفان قرار گرفته است، همچنین عدم ضرورت ورود و حضور برخی مسئولان به مقوله تولید علم بومی که ورودشان هزینه‌زا و حساسیت‌برانگیز بوده است؛
- برخی ضعف‌های ساختاری وزارت علوم در توجه بیش از حد به برخی معیارهای ارتقاء مثل چاپ مقالات در مجلات بین‌المللی (ISI) علی‌رغم وجود حدی از تناقض در این قضیه (البته می‌توان از این بستر برای طرح پاره‌ای از افکار بومی نیز استفاده کرد).

### مهدی گلشنی

دکتر مهدی گلشنی یکی از چهره‌های اصلی دانشگاهی در قضیه طرح و پیگیری ضرورت تولید علم دینی می‌باشد. مجموعه فعالیت‌های ایشان در این حوزه، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و طی سال‌های متممادی بعد از آن، نیازمند مطالعه، بررسی و تأمل جدی می‌باشد. ایشان به عنوان یکی از استادان برتر رشته فیزیک ایران در سال ۱۳۵۶ و در دانشگاه صنعتی شریف به درجه استادی نائل آمد و در سال ۱۳۸۲ مفتخر به عنوان چهره ماندگار فیزیک ایران شد. با توجه به احاطه علمی ایشان در رشته‌های علوم پایه (بالأخص فیزیک) و مباحث و جلساتی که با بسیاری از چهره‌های برتر علمی دنیا داشته اند، بر این باورند که بحث تولید علم دینی نباید محدود به حوزه مطالعات علوم انسانی و علوم اجتماعی شود؛ به این معنی که به عقیده وی، مطرح کردن بحث فیزیک اسلامی، زیست‌شناسی اسلامی و ...، نه تنها دارای امکان منطقی است که دارای مطلوبیت نیز می‌باشد. در کنار شخصیت و جایگاه علمی بسیار مؤثر، ایشان طی سال‌های مختلف دارای سوابق و مسئولیت‌های علمی و اجرایی قابل توجهی نیز بوده؛ که راه‌اندازی و مدیریت گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف و عضویت در شورای عالی انقلاب فرهنگی از مهم‌ترین سوابق و مسئولیت‌های وی بوده و البته سال‌های زیادی را نیز به عنوان رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، خدمات مهمی را به جامعه علمی کشور عرضه داشته است.



- ایشان نیز معتقدند که بحث تولید علم دینی در ایران با موانع و مشکلاتی روبه‌روست که برخی از آن‌ها در قالب این نکات قابل بیان می‌باشد:
- برداشت نادرست از علم دینی و وجود تعبیرهای فراوان و گاهی نادرست از مفهوم علم دینی و ابهام و سردرگمی ناشی از مطرح شدن حرف‌ها و دیدگاه‌های مختلف پیرامون بحث علم دینی؛
  - جبهه‌گیری برخی مخالفان علم دینی با ادعای جهانی بودن علم و بی‌معنایی مفهوم علم دینی؛ که البته توفیقات علم غربی فعلی بالأخص در حوزه علوم تجربی نیز مزید بر علت این مدعا شده است؛
  - غالب بودن دیدگاه علم غربی (حل مسائل جامعه با نگرشی تجربی) در مراکز علمی و آموزشی کشور؛
  - مطلق‌نگری در محیط‌های علمی کشور (چه در پذیرش علم غربی و چه در رد کردن آن): در حال حاضر نگاه صحیحی نسبت به معارف کنونی در کشور ما وجود ندارد و در بررسی یک دیدگاه یا نظریه یا مطلقاً آن را می‌پذیرند و یا به کل آن را رد می‌کنند. از همین رو، ارزیابی نظریه افراد بیشتر از اینکه مبتنی بر منطق و استدلال باشد، بر اساس شخصیت افراد صورت می‌گیرد؛
  - عدم وجود یک فضای گفتگو و تبادل نظر جدی میان رویکردهای مختلف تولید علم دینی و در مجموع عدم مطلوبیت گفتگو و گفتمان در محیط‌های مختلف ما (اعم از محیط علمی)؛
  - ورود و حضور برخی افراد در فضای تولید علم دینی بدون داشتن اطلاع کافی و صحیح از فضای علم جدید و علم دینی (تا زمانی که ندانیم در فضای علم جدید چه می‌گذرد، قضاوت ما کافی و درست نخواهد بود)؛
  - دور شدن محیط‌های علمی ما از ادب و اخلاق و عدم وجود کامل و درست تقوای علمی، ادب اسلامی و برخی مسائل روان‌شناختی و ذهنی (مانند تعصب، برتری‌طلبی و ...) در فضاهای علمی کشور؛
  - سیاسی بودن برخی نگاه‌ها به مقوله علم دینی و تزریقی پنداشتن آن؛ در حالی که پرداختن به علم دینی باید یک بحث علمی باشد و نه یک بحث سیاسی؛ بنابراین موضوع تولید علم دینی نه تنها امری تحمیلی و دستوری نیست، بلکه فرآیندی مبتنی بر منطق و استدلال است که خود طرف مقابل باید بپذیرد؛
  - جفای برخی افراد و استادان در سیاسی جلوه دادن بحث تولید علم دینی به عنوان پروژه‌ای از سوی نظام؛
  - فراهم نکردن زمینه‌های اجرایی تولید علم دینی و سیاست‌گذاری و تدوین قوانین مربوط به تولید علم دینی بدون در نظر گرفتن حوزه‌های اجرایی و شرایط موجود (مشخص نبودن امکان و مسیر اجرایی مصوبات)؛



- بهره‌گیری از افراد غیرمرتبط و غیرمتخصص در برخی زمینه‌های تولید علم دینی (از تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری تا اجرا)؛
- شعارزدگی و عدم وجود جدیت کافی و عملی در بحث تولید علم دینی؛ چرا که بعضاً پرداختن به این موضوع برخاسته از تعهد و اعتقاد جدی همراه با تخصص و آگاهی نیست؛
- عدم تبدیل شدن بحث ضرورت تولید علم دینی به عنوان یک نهضت و خواست فراگیر در میان مراکز علمی و دانشگاهی ما به دلیل عدم تفهیم، تعلیم و تبلیغ صحیح و عالمانه آن؛
- در حاشیه و جدا بودن مراکز و دیدگاه‌های فعال در زمینه تولید علم دینی از مراکز دانشگاهی و عدم درک و شناخت صحیح این مراکز از شرایط درونی دانشگاه‌ها و به تبع آن اتخاذ تدابیر نادرست؛
- نادیده انگاشتن نقش و جایگاه فرهنگ (به صورت اعم و اخص آن) در پیشرفت علمی، سیاسی و اقتصادی کشور؛ مثلاً عدم توجه به بُعد تربیتی در مدارس و مراکز آموزشی و توجه صرف به بُعد تعلیمی قضایا و همچنین عدم وجود وسعت نظر در بسیاری از مراکز.

#### علی مصباح یزدی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر علی مصباح یزدی (فرزند آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی) از استادان شاخص و صاحب‌نام مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) قم است که در گروه فلسفه این مرکز فعالیت‌های علمی ارزنده‌ای را عرضه داشت. ایشان علاوه بر آشنایی با دروس عالی حوزه، مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری خویش را نیز در رشته‌های فلسفه تطبیقی و فلسفه دین در دانشگاه مک‌گیل کانادا سپری کرد و در رساله دکتری خویش به بررسی و نقد دیدگاه‌های هابرماس، پیرامون موضوع دین و عقلانیت پرداخته است و در زمان سفر و حضور هابرماس در ایران در سال‌های گذشته نیز، جلسه مباحثه و گفتگویی را با وی در محل دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) داشته است.

اما ایشان جهت ارائه نظرات خویش، ابتدا با در نظر گرفتن این پیش‌فرض مهم که علم دینی (با وجود معانی و تعاریف مختلف از علم دینی)؛ «هرگونه دانشی است که صرف‌نظر از روش، اهداف و موضوع آن به نوعی با دین (اسلام) تماس داشته باشد و در این نقاط تماس نیز تعارضی با دین پیدا نکند» عمده موانع پیش‌روی این حوزه را در دو دسته مسائل معرفتی-شناختی و مسائل روانی، ذهنی و اخلاقی (با توجه به تعریف فوق) قابل طرح می‌دانند:

- عدم شناخت دقیق مسائل علم دینی و سؤالاتی که علم دینی در پی پاسخ دادن به آن‌ها می‌باشد (و حتی شناخت پاسخ دیگران به این سؤالات) و عدم آشنایی با نظرات دیگران (هم به صورت ایجابی و هم به صورت سلبی)؛



- عدم شناخت دقیق، عمیق و همه‌جانبه دین و یا فهم نادرست و یا محدود و یک‌سویانه و تک‌جانبه دین؛ عدم شناخت دین به عنوان یک کل هماهنگ ارگانیک که تمامی ابعاد آن یکدیگر را تکمیل و پشتیبانی می‌کند؛

- عدم اعتقاد و یقین به قابل شناخت بودن واقعیت: در معرفت‌شناسی و فلسفه علم دیدگاه‌های شک‌گرا و نسبی‌گرایی وجود دارند که رسیدن به واقعیت را غیرممکن می‌دانند و بر این اساس علم دینی مجموعه‌ای از حدسیات یافته‌های ذهنی است؛

- عدم وجود تقوای علمی؛ در منظومه فکری اندیشمندان مطرح اسلامی تقوای علمی و تهذیب نفس یکی از شرایط و لوازم اصلی کسب علم می‌باشد و حتی در دیدگاه‌های دانشمندان غربی نیز تا حدی تأثیر این بحث‌های اخلاقی و روانی در تولید علم وجود دارد. پس عدم وجود تقوای علمی باعث می‌شود واقعیت یا شناخته نشود و یا نادرست جلوه کند. بنابراین عدم تهذیب ذهن انسان و زنگارهای غفلت و گناه می‌تواند مانع از شناخت دقیق و یا شناخت مبهم واقعیت و کسب و تولید علم شود. بخشی از این زنگارها می‌تواند ناشی از شبهات علمی و دینی باشد که باعث عدم انعکاس درست و دقیق واقعیت در جان آدمی می‌شود، شبهاتی که ناشی از یک سری سؤالات علمی حل نشده و یا هواهای نفسانی و مشکلات اخلاقی است؛

- نگاه تجربی به بحث تولید علم دینی که خود این روش‌شناسی تابعی از همان بحث معرفتی است، بنابراین نگاه صرفاً تجربی به مقوله تولید علم دینی از آسیب‌های این حوزه می‌باشد و عدم توجه به مسائل و حیانی در مسائل معرفتی و روشی از موانع عظیم تولید علم دینی است.

### شکل‌بندی مقوله‌های بکار رفته در مصاحبه‌ها

بعد از اینکه یافته‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها در سطح اول مجزا شدند و کدهای خام اولیه تولید شد در این قسمت می‌بایست کدهای اولیه سطح قبل به یک سطح بالاتری از انتزاع ارتقاء یابند و کدگذاری به صورت متمرکزتر و منسجم‌تر صورت گیرد. بنابراین در این بخش مقوله‌های کلی و همچنین سایر مقوله‌های اصلی و فرعی؛ به همراه ابعاد و ویژگی‌های هر کدام، مشخص شده و در قالب جداول زیر ارائه می‌شوند.

جدول (۲) - شکل‌بندی مقوله‌های بکار رفته در بعد معرفتی - مسائل سلبی

مقوله کلی (ابعاد)	مقوله اصلی	گزاره‌ها و مقوله‌های فرعی
معرفتی	مسائل سلبی؛ در ارتباط با علم و فرهنگ علمی غرب	- احاطه فرهنگ علمی غرب در سطح جهان و غالب بودن این دیدگاه در فضای علمی و دانشگاهی کشور ما؛ - ابتدای فضای فکری و معرفتی بسیاری از استادان و دانشجویان علوم انسانی بر مبانی و مبادی معرفتی غرب؛ - مطلق‌نگری و عدم برخورد صحیح بسیاری از طرفداران علم غربی با این علم و عدم آشنایی لازم با



## آسیب‌شناسی تولید علوم انسانی دینی در ایران

<p>مبادی فلسفی و متافیزیکی آن؛</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>- عدم آشنایی و درک صحیح مباحث نظری موجود در علم غربی از سوی برخی حامیان جنبش نرم‌افزاری؛</li> <li>- وجود نوعی استبداد معنایی در محدود کردن مفهوم و گستره علم و برداشت تجربه‌گرایانه از علم؛</li> <li>- وجود معارضان جدی معرفتی در زمینه تولید علم دینی و عدم اعتقاد و یقین به قابل شناخت بودن واقعیت و القاء برخی شکاکیت‌ها و مباحث نسبی‌گرایانه؛</li> <li>- برخی برخوردهای افراطی و نادرست تعدادی از طرفداران علم دینی در نقد نادرست تمدن و علم غرب و نسبت آن با اسلام؛</li> <li>- کپی‌برداری ناقص و نادرست برخی معتقدان به علم دینی از مباحث نظری علم غربی.</li> </ul>	
--	--

### جدول ۳- شکل‌بندی مقوله‌های بکار رفته در بعد معرفتی - مسائل ایجابی

مقوله کلی (ابعاد)	مقوله اصلی	گزاره‌ها و مقوله‌های فرعی
<b>معرفتی</b>	<b>مسائل ایجابی؛</b> در ارتباط با مبانی و کیفیت تولید علوم انسانی دینی (اسلامی)	<ul style="list-style-type: none"> <li>- تلقی و برداشت نادرست از مفهوم علم دینی و عدم شناخت دقیق مسائل مربوط به آن از سوی برخی حامیان عرصه جنبش نرم‌افزاری؛</li> <li>- عدم آشنایی دقیق، عمیق و همه‌جانبه دین توسط برخی صاحب‌نظران و حامیان تولید علم دینی و در نتیجه بهره‌گیری نه چندان درست از معارف موجود در آن؛</li> <li>- عدم آشنایی کافی استادان و دانشجویان علوم انسانی با مبانی فکری، معرفتی و قابلیت‌های تمدنی دین اسلام و در نتیجه عدم توانایی در تشخیص وجوه تمایز علم غربی و علم مطلوب اسلامی؛</li> <li>- شکاف ایجاد شده بین علوم سنتی (اصول، کلام و ...) و علوم جدید؛</li> <li>- نادیده گرفتن ذخایر و پشتوانه‌های علمی و فرهنگی کشور در مراکز علمی و آموزشی؛</li> <li>- مواضع انتزاعی، غیرواقع‌بینانه و غیرعملیاتی برخی رویکردهای موجود در زمینه تولید علم دینی؛</li> <li>- تمرکز بیش از حد بر بُعد فرهنگی و تبلیغی بحث جنبش نرم‌افزاری و عدم تمرکز و فعالیت کافی در بُعد تئوریک و نظریه‌سازی؛</li> </ul>





<p>- عدم وجود همدلی و فضای کافی جهت گفتگو و انتقال تجربیات و ایده‌ها فکری و معرفتی بین تفکرات قائل به تولید علم دینی و جزیره‌ای عمل کردن آن‌ها؛</p> <p>- عدم وجود یک نهضت و خواست فراگیر در زمینه تولید علم دینی در میان مراکز علمی؛</p> <p>- سطحی بودن بسیاری از تولیدات صورت گرفته در حوزه علم دینی و عدم انطباق آن‌ها با منطق اسلامی؛</p> <p>- کم‌کاری‌های صورت گرفته از سمت حوزه‌های علمیه به دلیل ضعف‌های معرفتی، بینشی و رسالتی موجود در آن‌ها؛</p> <p>- عدم توجه جدی به مقوله فرهنگ (به شکل اعم و اخص آن) و جایگاه آن در عرصه پیشرفت علمی.</p>		
---	--	--

جدول ۴- شکل‌بندی مقوله‌های بکار رفته در بعد ساختاری - مسائل مدیریتی

مقوله کلی (ابعاد)	مقوله اصلی	گزاره‌ها و مقوله‌های فرعی
<p>ساختاری</p>	<p>مدیریتی؛ با تأکید بر عوامل انسانی فعال در عرصه‌های مدیریتی و اجرایی نهادهای ذی‌ربط</p>	<p>- بهره‌گیری از افراد غیرمتخصص، غیرمرتبط و غیرمعتقد به بحث تولید علم دینی در مناصب مختلف مدیریتی و اجرایی (عمدتاً میانی) در دستگاه‌های ذی‌ربط و مراکز علمی و آموزشی (از تصمیم و سیاست‌گذاری تا اجرا)؛</p> <p>- ضعف موجود در شورای عالی انقلاب فرهنگی (به‌عنوان عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیر در خصوص تحول در علوم انسانی) و عدم روشن بودن ضرورت تولید علوم انسانی دینی از سوی برخی اعضای عمدتاً حقوقی این شورا؛</p> <p>- استفاده از برخی نیروهای قوی فکری انقلاب و حلقه اصلی تولید علم دینی در مناصب سیاسی و اجرایی؛</p> <p>- مشغله‌ها و مسئولیت‌های فراوان و وقت‌گیر برخی فعالان و حلقه اصلی بحث تولید علم دینی؛</p> <p>- عدم وجود (کافی) سیاست‌گذاری‌های دقیق و عملیاتی جهت بازخوانی و بازبینی دقیق مبانی فرهنگ علمی غرب و همچنین تولید علم دینی؛</p> <p>- عدم قدرت اعمال تکلیف ساختاری (الزام‌آور نبودن تصمیمات و سیاست‌گذاری‌ها) و فراهم نشدن صحیح زمینه‌ها و مسیر اجرایی تولید علوم انسانی دینی؛</p>



جدول ۵- شکل‌بندی مقوله‌های بکار رفته در بعد ساختاری - مسائل آموزشی

مقوله کلی (ابعاد)	مقوله اصلی	گزاره‌ها و مقوله‌های فرعی
ساختاری	آموزشی؛ با تأکید بر عوامل انسانی فعال در عرصه‌های آموزشی و پژوهشی در مراکز علمی و دانشگاهی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- قرار گرفتن اکثریت کرسی‌های علمی دانشگاهی در اختیار استادانی با رویکرد فرهنگ علمی غرب؛</li> <li>- ادامه سیاست‌های جذب اعضای هیئت علمی (به‌ویژه در حوزه مطالعات علوم انسانی) معتقد به میانی فرهنگ علمی غرب و مخالف با بحث تولید علوم انسانی دینی؛</li> <li>- پایین بودن نسبی تعداد افراد (به نسبت مخالفان) متخصص و متعهد به مسئله تولید علم دینی؛</li> <li>- شهادت برخی از اصلی‌ترین و قوی‌ترین نیروهای فکری انقلاب و به مسئولیت گماردن برخی دیگر از این افراد (البته اکثراً بنا به ضرورت) و دوری ایشان از فضاهای علمی و آموزشی؛</li> <li>- حاشیه‌نشینی برخی استادان فعال در زمینه تولید علم دینی و دوری آن‌ها از دانشگاه‌ها و مراکز مهم علمی و آموزشی؛</li> <li>- عدم تلاش جدی جهت پشتوانه‌سازی انسانی و تقویت و بهره‌گیری از نیروهای جوان متعهد، متخصص و البته حق‌پذیر جهت فعالیت در عرصه‌های مختلف تولید علم دینی (بالأخص عرصه‌های آموزشی و پژوهشی)؛</li> <li>- حضور برخی افراد بدون داشتن دانش کافی پیرامون مباحث و فضای علم جدید و علم دینی در فضاهای علمی و آموزش مربوط به تحول در علوم انسانی و تولید علوم انسانی اسلامی.</li> </ul>

جدول ۶- شکل‌بندی مقوله‌های بکار رفته در بعد ساختاری - مسائل سیاسی

مقوله کلی (ابعاد)	مقوله اصلی	گزاره‌ها و مقوله‌های فرعی
ساختاری	عوامل سیاسی؛ عوامل ناشی از انواع سیاست‌زدگی‌های موجود که باید آن‌ها را جدای از	<ul style="list-style-type: none"> <li>- برخی سیاست‌زدگی‌های موجود در فضای مراکز علمی (انتصابات، رفتارها، جهت‌گیری‌ها و ...)</li> <li>- سیاسی و تزریقی جلوه دادن مسئله تولید علوم انسانی دینی از سوی برخی منتقدان و معارضان؛</li> </ul>

۱. در واقع این مقوله در میان هر کدام از مقوله‌های بخش ساختاری نیز قابل ارائه بود ولی با توجه به نقش و اهمیت عوامل سیاسی، آن را مستقلاً و به‌عنوان یک مؤلفه اصلی - که می‌تواند حتی با عوامل معرفتی و اخلاقی نیز ارتباط جدی داشته باشد- ذکر می‌کنیم.



<p>- ایجاد برخی حساسیت‌های بی‌مورد نسبت به بحث تولید علم دینی به دلیل برخی ناشی‌کاری‌های سیاسی صورت گرفته از سوی بعضی مسئولان؛</p> <p>- نگاه، برخورد و عملکرد حزبی، سیاسی و دولتی برخی مسئولان و نهادهای مهم تصمیم‌گیر در بحث تولید علوم انسانی دینی (بالأخص در نهادهایی چون: شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارت علوم)؛</p> <p>- نفوذ و فعالیت دشمن در حوزه‌های علمیه و شکل‌گیری جریان‌های سیاسی زاویه‌دار با نظام در حوزه‌های علمیه و مخالفت آن‌ها با بحث تولید علم دینی به عنوان مسئله‌ای سیاسی.</p>	<p>سایر بحث‌های سیاسی عالمانه و منصفانه دانست</p>	
---	---	--

جدول (۷) - شکل‌بندی مقوله‌های بکار رفته در بعد ساختاری - مسائل سازمانی

گزاره‌ها و مقوله‌های فرعی	مقوله اصلی	مقوله کلی (ابعاد)
<p>- قدمت و امکانات جهانی و بسیار زیاد تمدن ۴۰۰ ساله غرب جدید و طولانی بودن پروسه مقابله با آن؛</p> <p>- تنظیم و ادامه ساختارها و سازه‌های علمی و آموزشی کشور بر مبنای همان مؤلفه‌های فرهنگ علمی غرب با وجود پیروزی انقلاب اسلامی (بالأخص با سرکار آمدن دولت سازندگی و در پیش گرفتن برخی اقدامات سیاسی و اقتصادی مبتنی بر توسعه برون‌زا)؛</p> <p>- رشد بسیار سریع و بی‌برنامه مراکز آموزش عالی بدون در نظر گرفتن مؤلفه‌های پیشرفت بومی؛</p> <p>- تغییر ساختار و رسالت‌های اصلی و اولیه برخی مراکز علمی فعال در زمینه پر کردن خلأهای علوم انسانی به صورت کوتاه‌مدت (همچون دانشگاه تربیت مدرس)؛</p> <p>- در حاشیه بودن بسیاری از مراکز و مؤسسات فعال در زمینه تولید علم دینی و عدم ارتباط جدی و مناسب آن‌ها با سایر مراکز علمی و دانشگاهی؛</p> <p>- برخی کمبودهای مالی و حمایتی از مراکز و افراد فعال در زمینه تولید علم دینی و عدم سرمایه‌گذاری و توجه جدی و طولانی‌مدت به آن‌ها؛</p> <p>- عدم وجود صبر و تأمل کافی و تلقی نادرست از کوتاه‌مدت بودن فرآیند تولیدات علمی در عرصه علوم انسانی؛</p>	<p>سازمانی؛ سایر عوامل محیطی و سازمانی</p>	<p>ساختاری</p>



## آسیب‌شناسی تولید علوم انسانی دینی در ایران

<p>- وجود برخی محدودیت‌ها، ابهامات و سنگ‌اندازی‌های ساختاری (قوانین، آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها و ...). جهت تسهیل در ایجاد رشته‌ها و جذب دانشجویانی با نگرش تحول‌گرایانه در علوم انسانی (وجود بروکراسی علمی منطبق با فرهنگ علمی غرب در ساختارها و سازمان‌های ذی‌ربط و تسلط جدی آن بر مراکز علمی و آموزشی)؛</p> <p>- وجود ضعف‌های جدی در زمینه نشر، توزیع و معرفی تلاش‌ها تولیدات صورت گرفته در عرصه تولید علم دینی؛</p> <p>- عدم وجود مشوق‌ها و امتیازات مناسب جهت ایجاد خلاقیت و تحول در علوم انسانی و تنظیم عوامل ارتقاء و رتبه‌بندی مبتنی بر همان مؤلفه‌های فرهنگ علمی غرب (چاپ مقالات بدون توجه کافی به عنصر نوآوری، توجه بیش از حد به ISI نویسی و ...)</p> <p>- جو بروکراتیک و اداری (غیرجهادی) حاکم بر فضای وزارت علوم؛</p> <p>- عدم وجود یک شبکه تحقیقات اسلامی منسجم در زمینه سامان‌دهی به تحقیقات بومی؛</p> <p>- نفوذ و فعالیت دشمن در ساختار حوزه‌های علمیه و ایجاد برخی تشکلهای مخالف و زاویه‌دار با نظام اسلامی و مخالفت جدی آن‌ها با حضور دین در عرصه تعاملات اجتماعی بشر.</p>	
--	--

### جدول ۸- شکل‌بندی مقوله‌های بکار رفته در بعد ذهنی - اخلاقی - مسائل فکری و ذهنی

مقوله کلی (ابعاد)	مقوله اصلی	گزاره‌ها و مقوله‌های فرعی
ذهنی - اخلاقی	مسائل فکری و ذهنی؛ با تأکید بر قابلیت‌های فکری و ذهنی	<p>- عدم وجود خلاقیت علمی، نگرش تحلیل‌گرایانه و نقادانه کافی در میان بسیاری از استادان علوم انسانی؛</p> <p>- برخی مطلق‌انگاری‌های ذهنی در رد و پذیرش مسائل علمی در محیط‌های علمی و دانشگاهی؛</p> <p>- ساختار فکری سنتی و ذهن بسته برخی حوزویان؛</p>



جدول ۹) - شکل‌بندی مقوله‌های بکار رفته در بعد شناختی - مسائل اخلاقی

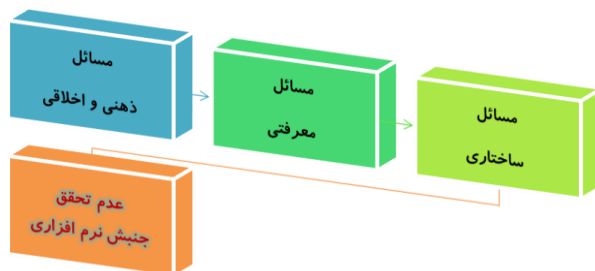
مقوله کلی (ابعاد)	مقوله اصلی	گزاره‌ها و مقوله‌های فرعی
ذهنی - اخلاقی	مسائل اخلاقی! مشتمل بر مسائل شخصیتی، روان‌شناختی و اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> <li>- خودباختگی شخصیتی بسیاری از استادان علوم انسانی؛</li> <li>- غرب‌زدگی، دلدادگی و لذت ذهنی و روانی (درونی شدن عناصر فرهنگ علمی غرب) در برخی دانشگاهیان؛</li> <li>- برتری‌طلبی، تعصب، جزم‌انگاری و عدم وجود روحیه حق‌پذیری در میان برخی از استادان و متخصصین علمی کشور؛</li> <li>- تحریک روانی دانشجویان و مسئولان علیه مقوله علم دینی توسط برخی مخالفان و معارضان؛</li> <li>- استفاده ابزاری از فرهنگ علمی غرب جهت کسب هویت، شخصیت و برخی مواهب اقتصادی؛</li> <li>- استفاده ابزاری از مقوله علم دینی جهت رسیدن به برخی خواسته‌های اقتصادی و اجتماعی توسط برخی مدعیان تولید علم دینی؛</li> <li>- برخی عزلت‌گزینی‌ها و عدم وجود علقه و همدلی لازم در میان اندیشمندان و فعالان عرصه تولید علم دینی؛</li> <li>- و در مجموع: عدم وجود کافی تهذیب نفس، اخلاق و تقوای علمی در میان فعالان عرصه علمی و آموزشی.</li> </ul>

اما در میان مقوله‌های شناسایی شده در این پژوهش، هر چند که این مقوله‌های کلی، اصلی و حتی فرعی؛ در یک سیستم ارتباطی نظام‌مند، دارای ارتباطی متقابل با یکدیگر هستند ولی به طور کلی باید گفت که در میان این مقوله‌ها، مسائل معرفتی اعم از سلبی و ایجابی، از جایگاه خاص و مهمی برخوردار می‌باشند؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت که عدم درک صحیح مفهوم، ابعاد و حتی ضرورت تولید علم دینی به وضوح بر بسیاری از مسائل ساختاری تأثیر گذاشته و باعث شده که بسیاری از مسائل ساختاری مبتنی بر این عامل معرفتی شکل و جهت‌دهی خاصی داشته باشد. به همین ترتیب می‌توان گفت که این مقوله‌های مهم معرفتی خود به نوعی (مستقیم یا غیرمستقیم) تحت تأثیر فضاهای ذهنی و اخلاقی اندیشمندان و فعالان عرصه علم و دانش نیز می‌باشند برای

۱. با توجه به گستردگی طیف مسائل اخلاقی مربوط به علم در فرهنگ و آموزه‌های اسلامی، این قسمت، بسیاری از مسائل فردی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و ... را در بر می‌گیرد. بنابراین در این مقوله، بسیاری از مسائل را می‌توان گنجانند و سایر مسائلی که ناشی از ضعف‌های موجود در زمینه قابلیت‌های ذهنی و فکری است را می‌توان در مقوله اصلی مربوط به مسائل فکری و ذهنی قرار داد.



مثال؛ عدم وجود قدرت تحلیل و نقادانه‌ی کافی و یا حتی برخی تعصبات و برتری‌طلبی‌ها و ... می‌تواند بر درک صحیح مفهوم، جایگاه و اهمیت تولید علم دینی اثر گذاشته و به دنبال آن، ساختارهای علمی نیز بر اساس همین نگرش معرفتی افراد شکل و استقرار یابد و با ریشه‌دوانیدن در لایه‌های مختلف ساختاری، سالیان متمادی تداوم داشته باشد.



شکل ۱- سیستم ارتباطی موجود بین ابعاد شناسایی شده

### کدگذاری محوری

پس از تجزیه و شکل‌بندی یافته‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها و شناسایی مقوله‌های کلی، اصلی و فرعی موجود در آن‌ها، حال نوبت آن است که وارد مرحله جدیدی شده و گام‌های پایانی این بخش را برداریم؛ اما آنچه قرار است در این بخش انجام گیرد، کدگذاری محوری یافته‌های موجود می‌باشد، بنابراین بایستی مقولات شناسایی شده را در قالب شش جعبه (یا مقوله) «مقوله محوری»، «شرایط علی»، «زمینه یا محیط»، «شرایط مداخله‌گر»، «راهبردها» و «پیامدها» به صورت زیر تنظیم و دسته‌بندی نماییم:

**مقوله محوری:** از آنجایی که مقوله محوری، صورتی ذهنی از پدیده‌ای است که اساس این فرآیند و پژوهش است و مسئله این قسمت نیز «بررسی موانع تولید علوم انسانی بومی (دینی)» است؛ می‌توان گفت پدیده مطرح در این مدل همان بحث «موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی دینی» است که برای تحقق این فرآیند، موارد و عواملی همچون؛ «تعیین اهداف و مسئله اصلی»، «جلب توجه و حمایت لازم برای اقدام»، «انتخاب برخی از استادان صاحب‌نظر برای همکاری» (در بحث مصاحبه‌ها)، «تنظیم و جهت‌دهی مراحل و فعالیت‌های مورد نیاز در پژوهش» و در نهایت «تهیه و پیشنهاد مدل نظری» مورد نیاز و پیگیری می‌باشد.

**شرایط علی:** این شرایط در واقع مربوط به شرایط، عوامل و مقوله‌هایی است که بر پدیده مورد نظر (مقوله محوری) تأثیر می‌گذارند، بنابراین با توجه به مقوله‌های شناسایی شده در مرحله کدگذاری باز، این شرایط و مقوله‌ها را می‌توان در سه دسته عوامل «معرفتی»، «ساختاری» و «ذهنی و اخلاقی» تقسیم‌بندی کرد، بنابراین این شرایط علی همان مجموعه مقولات کلی، اصلی و فرعی



است که در قسمت قبل در قالب محورها و سپس جداولی، به صورت نسبتاً مفصل شکل‌بندی گردید.

زمینه: محیط یا زمینه نیز مقوله‌ها و شرایط خاصی هستند که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند. از همین رو اگر بخواهیم در اینجا این شرایط را مدنظر قرار دهیم باید به عواملی همچون؛ «توانایی (علمی و ذهنی) استادان معتقد به تولید علوم انسانی دینی»، «درجه دل‌بستگی استادان به علوم انسانی فعلی»، «مدت‌زمان سپری‌شده و مورد نیاز» و... اشاره نماییم.

شرایط مداخله‌گر: در کنار مقوله‌های محیطی که دربرگیرنده شرایط خاص هستند، یک سری مقوله‌ها و شرایط زمینه‌ای عمومی نیز وجود دارند که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند، این شرایط را می‌توان به نوعی همان مسائل مطرح در محیط سازمانی نیز دانست. با توجه به تأثیرپذیری مستقیم شرایط مداخله‌گر از شرایط علی و حضور عوامل ساختاری در میان مجموعه مقوله‌های شرایط علی، در واقع می‌توان برخی از این مقوله‌های ساختاری (بالأخص عوامل سازمان) را به شکل خاص‌تری نیز در شرایط مداخله‌گر قرار دهیم، چرا این شرایط علاوه بر تأثیر در پدیده و مقوله‌محوری بر شرایط مداخله‌گر مؤثر در راهبردها نیز تأثیر می‌گذارند؛ اما برخی از این شرایط را می‌توان در مقوله‌هایی از قبیل؛ «فرهنگ علمی موجود در مراکز علمی»، «سیاست‌های علمی موجود»، «شرایط مالی» و ... مشاهده کرد. البته هر کدام از این مقوله‌ها خود دربرگیرنده ابعاد و مقوله‌های فرعی زیادی است که در بخش مربوط به عوامل سازمانی در بعد ساختاری قابل مشاهده و بررسی است.

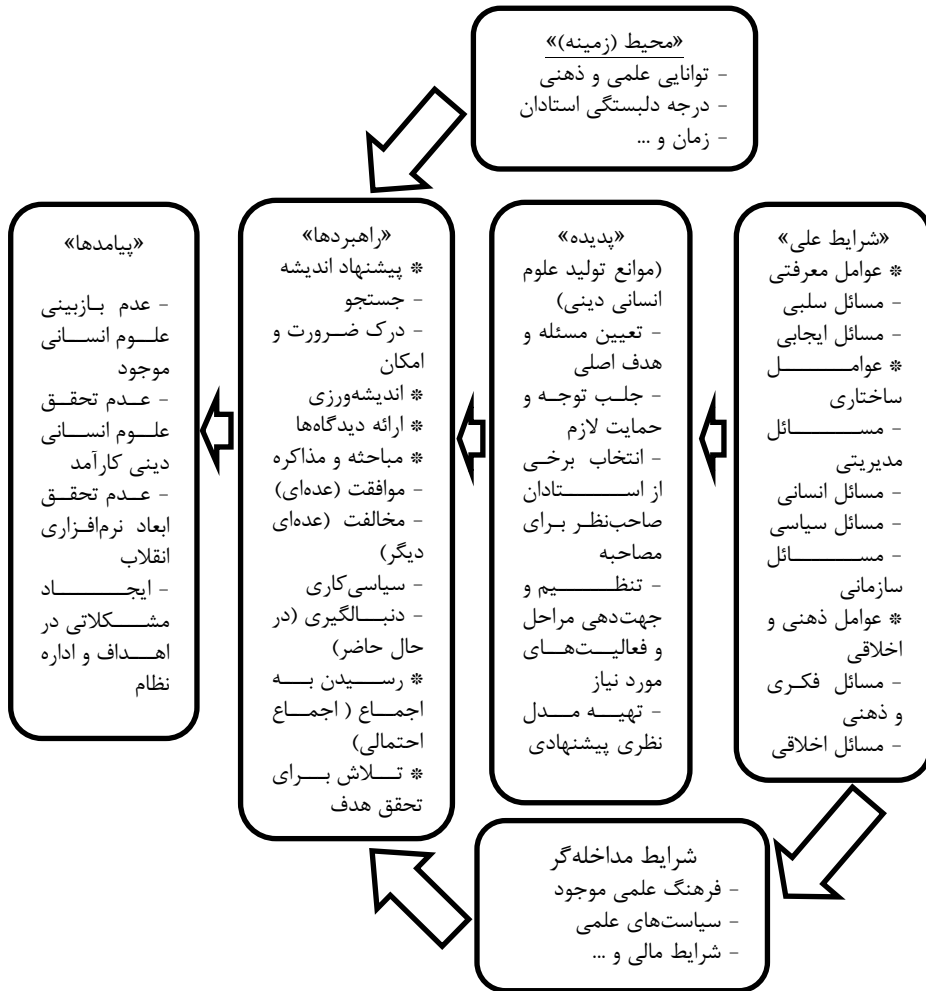
راهبردها: کنش‌های خاص منتج از پدیده‌محوری را راهبردها می‌نامند که در واقع مجموعه‌ای از عمل‌ها و تعامل‌ها می‌باشد، با توجه به پدیده‌محوری این پژوهش، می‌توان مجموعه عمل‌های اصلی صورت گرفته از سوی هم موافقان و هم مخالفان علوم انسانی دینی را چنین برشمرد: «پیشنهاد اندیشه» (جستجو، فهم ضرورت و امکان)، «اندیشه‌ورزی»، «ارائه مباحث»، «مباحثه و مذاکره»، «موافقت برخی»، «مخالفت برخی دیگر»، «سیاسی‌کاری» و در ادامه «دنبال‌گیری» این بحث جهت رسیدن به اجتماع احتمالی و تلاش در این زمینه.

پیامدها: اما برخی از مهم‌ترین خروجی‌های حاصل از پدیده‌محوری و به‌کارگیری راهبردها عبارت‌اند از: «عدم بازبینی و بازنگری مباحث علوم انسانی فعلی (به لحاظ مبادی فکری و کارآمدی آن) در سطح عمومی دانشگاه»، «عدم تحقق علوم انسانی دینی کارآمد»، «عدم تحقق ابعاد نرم‌افزارانه انقلاب» و «ایجاد مشکلات جدی در پیگیری اهداف، آرمان‌ها و اداره نظام».



### کدگذاری گزینشی

پس از تحلیل مصاحبه‌ها، محورشناسی، شکل‌بندی و نیز تنظیم مقوله‌های شش‌گانه مزبور، حال در آخرین مرحله انجام این پژوهش نوبت به ارائه مدل نظری در مورد مسئله مورد مطالعه (موانع تولید علوم انسانی دینی) می‌رسد. برای تحقق این مهم لازم است که هر کدام از مقوله‌های تنظیم‌شده به درستی در محل‌های مناسب خود جاگذاری شده و نحوه ارتباط و تأثیرگذاری آن‌ها با یکدیگر مشخص شود. با توجه به تمامی این مباحث، مدل نظری پیشنهادی حاصل از مطالعه و پژوهش انجام شده، در قالب این شکل ارائه می‌شود:



شکل ۲- مدل نظری پیشنهادی پیرامون بحث «موانع تولید علوم انسانی دینی (اسلامی) در ایران»





## نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

علم‌اندوزی و تولید علم و دانش از مؤلفه‌های اساسی زندگی بشر در طول سالیان متمادی و بالأخص سده‌های اخیر محسوب می‌شود. امروزه نیز جوامع مختلف در پی آن هستند که با افزایش سهم خود در دایره تولید علم جهانی و همچنین کاربردی و صنعتی‌سازی آن، گام‌های اساسی را در ارتقاء حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و ... بردارند؛ اما به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان در میان علوم مختلف، علوم انسانی و اجتماعی از اهمیت بسیار بیشتری برخوردارند چرا که همچون روحی در کالبد سایر علوم طبیعی و تجربی نیز جریان دارد و در واقع این علوم، علمی جریان‌ساز هستند که جوانب مختلف زندگی اجتماعی را کنترل و هدایت می‌کنند. از همین‌رو، طی دهه‌های اخیر، علوم انسانی بیش از گذشته مورد توجه اندیشمندان و حتی دولتمردان جوامع مختلف (و از جمله جامعه ما) قرار گرفته و جایگاه آن در معادلات مختلف بیش از پیش ارتقاء یافته است.

علم به عنوان یک پدیده فرهنگی- اجتماعی، فارغ از شرایط و تحولات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، نبوده و در واقع این عوامل نقش بسزا و بسیار تأثیرگذاری در ماهیت و چگونگی شکل‌گیری علوم (بالأخص در علوم انسانی و اجتماعی) دارند؛ که البته این موضوع، توسط بسیاری از صاحبان فکر و اندیشه مورد توجه و مذاقه قرار گرفته است. جامعه ایران نیز با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ شاهد تغییر و تحولات مهمی در مختصات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه خود بوده است، تحولاتی که برخلاف فرآیند جهانی‌سازی فعلی، در پی بازگرداندن دین به عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی بشر بوده است. با به وجود آمدن چنین شرایطی، توجه به ضرورت و مطلوبیت تولید علم دینی (بالأخص در حوزه مطالعات علوم انسانی) در مجامع و مراکز حوزوی و دانشگاهی مورد توجه بسیاری از علما و اندیشمندان کشورمان قرار گرفته است. هر چند که سابقه بحث لزوم تولید علم دینی به قبل از انقلاب اسلامی ایران بازمی‌گردد، اما با پیروزی انقلاب اسلامی، توجه به این ضرورت تاریخی چه در بُعد ملی و چه در بُعد فراملی (بالأخص در کشورهای اسلامی) فزونی قابل توجهی یافته است. بنابراین قریب به چهار دهه است که بحث تولید علوم انسانی بومی (دینی) به عنوان یک ضرورت اساسی جهت تهیه نرم‌افزارهای مورد نیاز اداره نظام جمهوری اسلامی (برای فراهم کردن بسترهای لازم جهت تحقق تمدن نوین اسلامی) و همچنین بازتولید اصول و مبانی انقلاب اسلامی از اهم مسائل پیش‌روی کشورمان محسوب می‌شود.

طراحی و تدوین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت را می‌توان یکی از مهم‌ترین و راهبردی‌ترین این نرم‌افزارها دانست. الگویی که قرار است با به چالش کشیدن الگوهای رایج و تک‌بعدی توسعه غربی، الگوی جدیدی از پیشرفت و تکامل بشریت را عرضه کند، الگویی که مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی



است و با در نظر گرفتن اقتضائات بومی و ارزشی کشورمان، ادعای پیشرفت توأمان عناصر مادی و معنوی ایران اسلامی را دارد، بنابراین طبیعی است در طراحی چنین الگویی بحث تولید علم بومی (بالأخص دینی) دارای جایگاه والایی باشد؛ چرا که در واقع این علوم مبتنی بر جهان‌بینی الهی (بالأخص در حوزه مطالعات علوم انسانی) نقش زیربنای این ساختمان عظیم تمدنی را ایفا کرده و هدایت‌گر بسیاری از عرصه‌های تمدنی این الگو خواهند بود؛ اما علی‌رغم اهمیت مسئله جنبش نرم‌افزاری برای آینده انقلاب و تحقق تمدن نوین اسلامی، بحث حرکت در مسیر تولید چنین علمومی با فراز و فرودهای بسیاری همراه بوده است و در یک کلام می‌توان گفت این حرکت متناسب با ماهیت و هدف انقلاب اسلامی نبوده و دارای ضعف‌ها و موانعی است که باید مورد آسیب‌شناسی قرار بگیرد.

بنابراین بحث چرایی عدم توفیق چندان تولید علوم انسانی دینی در ایران و در واقع همان بحث شناخت موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی اسلامی (علی‌رغم وجود دیدگاه‌ها و تلاش‌های صورت گرفته در این زمینه) هدف اصلی این پژوهش بود که برای پرداختن به این مسئله، مصاحبه‌ها و جلسات گفتگویی با تعدادی از چهره‌های شاخص و صاحب‌نظر این حوزه ترتیب داده شد و نتایج به دست آمده در قالب روش نظریه داده‌بنیاد (گراندد تئوری) تحلیل و ارائه شد. طبق داده‌های به دست آمده و تحلیل‌های صورت گرفته، سه دسته از موانع «عرفتی»، «شناختی» و «ذهنی» و «اخلاقی» در مسئله موانع تولید علوم انسانی دینی شناسایی شد که در این میان، عوامل معرفتی با در بر گرفتن مسائل مختلف سلبی و ایجابی پیرامون علم غربی و علم دینی، به لحاظ جایگاه، از اهمیت بیشتری برخوردار بود و عوامل ساختاری (مسائل مدیریتی، انسانی، سیاسی و سازمانی) نیز که تا حد بسیار زیادی تحت‌تأثیر عوامل معرفتی است و مقولات زیادی را در خود جای داده و به لحاظ فراوانی مقوله‌ها، بیش از عوامل معرفتی و ذهنی مورد توجه و تأکید استادان قرار گرفته است. عوامل ذهنی و اخلاقی هم که می‌توان بسیاری از آن‌ها را به نوعی عوامل زمینه‌ای مهمی دانست نیز از عوامل مهم و تأثیرگذار در این مسئله بودند. مقولات شناسایی شده در مرحله کدگذاری باز، در مجموع و طی مراحل کدگذاری محوری و گزینشی، در قالب شش مقوله (پدیده‌محوری، شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، زمینه، راهبردها و پیامدها) تنظیم و دسته‌بندی گردیده و با در نظر گرفتن یک منظومه ارتباطی دقیق، در قالب یک مدل نظری پیشنهاد شد.

اما در پایان باید گفت با وجود تمامی بحث‌هایی که پیرامون ضرورت، کیفیت و موانع تولید علم دینی وجود دارد، آنچه بسیار حائز اهمیت می‌باشد این موضوع است که موضوع تولید علم دینی و تحقق جنبش نرم‌افزاری بحثی بسیار حساس، پیچیده و فراتر از برخی تلاش‌های فردی و حتی گروهی است و نیازمند فراهم شدن مجموعه‌ای از عوامل و شرایط مختلف می‌باشد، بنابراین لازم است عوامل مختلف ساختاری، معرفتی، ذهنی و اخلاقی، با تفکر و دقتی بالا، به‌درستی (و به



صورت هماهنگ) در کنار یکدیگر قرار بگیرند تا بتوانیم منتظر نتایج مطلوب، واقع‌بینانه و مورد نیاز کشور عزیز اسلامی‌مان باشیم.

### پیشنهادها

پیشنهادهای مربوط به این بخش را می‌توان در دو سطح مطرح کرد: یکی در سطح اندیشمندان، پژوهشگران و فعالین عرصه تولید علم دینی و دیگری در سطح مسئولان کشور.

۱. به صاحب‌نظران، فعالان و پژوهشگران این حوزه پیشنهاد می‌شود به دور از هرگونه فضای سیاسی‌کاری به این بحث به عنوان یک مسئله مهم معرفتی توجه کرده و تحقیقات دقیق و علمی را در جهت بررسی موانع و آسیب‌های این حوزه داشته باشند و علاوه بر مشخص کردن سهم دقیق هر کدام از این موانع، ایده‌ها و دیدگاه‌های عالمانه‌ای را نیز برای برون‌رفت از مسائل شناسایی شده ارائه کنند، طبیعتاً با توجه به ماهیت الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و نیاز آن به تولید ادبیات علمی با مختصاتی که گفته شد، دغدغه پژوهشگران این عرصه باید بیش از پیش معطوف به این مسئله شود.

۲. مسئولان کشور (بالأخص در سطح کلان و سیاست‌گذاران) باید توجه کنند که آینده انقلاب اسلامی و تحقق تمدن نوین اسلامی در گرو طراحی جامع، دقیق و علمی نرم‌افزارهایی است که مبتنی بر بوم ارزشی، فرهنگی و جغرافیایی این کشور باشد؛ بنابراین لازم است به دور از هرگونه فضای سیاست‌زده و شعاری (له یا علیه این موضوع) با این موضوع به عنوان یک مسئله مهم معرفتی برخورد کنند و با ایجاد بسترهای لازم، از هرگونه حرکت شتاب‌زده و غیرعالمانه‌ای پرهیز کنند و در نهایت خود را از فکر و یاری اندیشمندان و دغدغه‌مندان این حوزه بی‌نیاز نبینند.

لازم به ذکر است پیشنهادهای مذکور به صورت کلی و در ارتباط با اصل قضیه جنبش نرم‌افزاری است، بنابراین همان‌طور که در یافته‌های این پژوهش ملاحظه کردید، می‌توان با بهره‌گیری از آسیب‌های مطرح شده توسط استادان و صاحب‌نظران این حوزه، پیشنهادهای دقیق و بسیاری را جهت برطرف کردن (و یا حداقل کاهش) موانع مذکور ارائه کرد که طبیعتاً این بحث در این مجال نمی‌گنجد و نیازمند عرصه جدید و دقیق‌تری است. «به امید تحقق تمدن بزرگ اسلامی»



## منابع

۱. افروغ- الف، عماد. (۱۳۸۶). انقلاب اسلامی و مبانی بازتولید آن. تهران: انتشارات سوره مهر.
۲. افروغ- ب، عماد. (۱۳۸۶). محتواگرایی و تولید علم. تهران: انتشارات سوره مهر.
۳. بازرگان، عباس. (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته. تهران: نشر دیدار.
۴. بروغنی، الهه. (۱۳۸۷). بررسی چالش‌های نهضت نرم‌افزاری (تولید علم) از دید اعضای هیئت علمی دانشگاه شاهد تهران در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶. پایان‌نامه کارشناسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی. دانشگاه شاهد، تهران.
۵. پارسانیا، حمید. (۱۳۸۵). علم و فلسفه. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۶. حبیبی، غلامحسین. (۱۳۹۳). بینش روش‌شناختی. تهران: انتشارات کتاب همه.
۷. حسنی، ابوالحسن. (۱۳۹۰). ضرورت طراحی منطق فهم دینی برای تولید علوم انسانی و اسلامی. عبدالحسین خسروپناه. مجموعه مقالات کتاب علامه طباطبائی، فیلسوف علوم انسانی- اسلامی (صص ۳۷۷-۳۵۹). جلد دوم. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۸. خامنه‌ای- امام (رهبر معظم انقلاب اسلامی). سید علی. (۱۳۹۰). روش‌های علم. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۹. خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی جنبش نرم‌افزاری. نشریه رواق اندیشه. شماره ۳۷: صص ۱۷-۳.
۱۰. دانایی‌فرد، حسن و همکاران. (۱۳۹۱). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: انتشارات صفار.
۱۱. داوری اردکانی، رضا. (۱۳۸۳). فلسفه و انسان معاصر. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۱۲. سوزنچی، حسین. (۱۳۸۹). معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۳. دبیرخانه مکاتبه و اندیشه. (۱۳۸۳). جنبش نرم‌افزاری و ده نکته. مکاتبه و اندیشه. شماره ۱۸: صص ۸۶-۵۹.
۱۴. قجری، حسینعلی و جواد نظری. (۱۳۹۲). کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۱۵. کنوبلاخ، هوبرت. (۱۳۹۰). مبانی جامعه‌شناسی معرفت. ترجمه کرامت‌اله راسخ. تهران: نشر نی.
۱۶. گلشنی، مهدی. (۱۳۸۵). علم و دین و معنویت در آستانه قرن بیست و یکم. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۷. محسنی، منوچهر. (۱۳۹۲). مبانی جامعه‌شناسی علم. تهران: انتشارات طهوری.
۱۸. محمدی، منوچهر. (۱۳۸۷). بازتاب جهانی انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۴). انقلاب اسلامی؛ جهشی در تحولات سیاسی تاریخ. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
۲۰. میرباقری، سید محمدمهدی. (۱۳۸۶). انقلاب فرهنگی در پرتو تعالی گفتاری در علم غربی، علم بومی و علم دینی. در کتاب مجموعه مقالات همایش علم بومی، علم جهانی: امکان یا امتناع؟ (صص ۱۸۷-۱۶۴). تهران: انجمن جامعه‌شناسی ایران.
۲۱. میرباقری، سید محمدمهدی. (۱۳۸۳). ضرورت و راهکارهای جنبش نرم‌افزاری، رواق اندیشه. شماره ۳۲: صص ۶۸-۵۵.
۲۲. پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مطالعه‌العالی). KHAMENEI.IR.



## مصاحبه‌ها

۲۳. مصاحبه با دکتر «تقی آزاد ارمکی» با موضوع «بررسی موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در محل دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. تهران: ۱۳۹۴/۰۲/۳۰.
۲۴. مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر «صفدر الهی‌راد» با موضوع «بررسی موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در محل مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره). قم: ۱۳۹۴/۰۳/۰۵.
۲۵. مصاحبه با دکتر «شهلا باقری» با موضوع «بررسی موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در محل دانشگاه الزهرا (س) تهران: ۱۳۹۴/۰۳/۰۴.
۲۶. مصاحبه با دکتر «یحیی بوذری‌نژاد» با موضوع «بررسی موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در محل دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. تهران: ۱۳۹۴/۰۲/۲۹.
۲۷. مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر «حمید پارسانیا» با موضوع «بررسی موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» به صورت تلفنی: ۱۳۹۴/۰۳/۰۸.
۲۸. مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر «محمد حسین‌زاده» با موضوع «بررسی موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» به صورت تلفنی: ۱۳۹۴/۰۳/۱۱.
۲۹. مصاحبه با دکتر «غلامرضا جمشیدیها» با موضوع «بررسی موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در محل دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. تهران: ۱۳۹۳/۱۲/۲۴.
۳۰. مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر «حسین سوزنجی» با موضوع «بررسی موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در محل دانشگاه باقرالعلوم (ع). قم: ۱۳۹۴/۰۳/۰۳.
۳۱. مصاحبه با دکتر «ابراهیم فیاض» با موضوع «بررسی موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» به صورت تلفنی: ۱۳۹۴/۰۳/۰۲.
۳۲. مصاحبه با دکتر «عبدالحسین کلانتری» با موضوع «بررسی موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در محل دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. تهران: ۱۳۹۳/۱۲/۲۴.
۳۳. مصاحبه با دکتر «مهدی گلشنی» با موضوع «بررسی موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در محل دانشگاه صنعتی شریف. تهران: ۱۳۹۴/۰۳/۰۶.
۳۴. مصاحبه با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر «علی مصباح یزدی» با موضوع «بررسی موانع پیش‌روی تولید علوم انسانی بومی (دینی)» در محل مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره). قم: ۱۳۹۴/۰۳/۰۵.